

جلسه ۳۲۱

صورت مشروح مجلس روزیکشنبه  
بیستم شهر ذی‌قعدة ۱۳۴۶

رئیس ( آقای مؤتمن الملك ) سه ساعت و ربع قبل از هروب بکری ریاست جلوس نمود و پس از یک ربع جلسه را رسماً منقذ فرمودند آقای میرزا رضا خان نائیبی صورت جلسه قبل را قرائت نمود ( اساسی غائبین جلسه قبل به ترتیب ذیل قرائت شد )

مرض - آقای سید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرر تغلف کردند آقای مرتضی قلیخان دو ساعت آقای طباطبائی و آقای قمی یکساعت و چهارده دقیقه متعده انتظار ه دقیقه - حاج وکیل الرعایا یکساعت معطل الدوله - افتخار الواعظین - نیرالسلطان حاج شیخ اسدالله ه دقیقه .

رئیس - در صورت مجلس مخالفی هست ؟

**حاج آقا** - بنده در دو جای صورت مجلس عرض دارم یکی راجع بود بر ابورت کمیسیون فوائدهامه کتو نوشته شده رد شد زیرا باید نوشته شود تصویب نشد زیرا که امرای کامیگیریم باید رد و قبول هر دو طرف ممنوم باشد چون اکثریت مجلس بقیام و قومود معلوم نمیشود بر باید نوشته شود تصویب نشد یکی هم راجع باظهار آقای رئیس الوزراء که آقای رئیس الوزراء فرمودند که عقیده من این است که تا وقتی که کابینه تشکیل نشده مجلس باقی باشد کابینه را که تشکیل کردند بیاورند به مجلس عقیده خودشانرا بگویند و اینجا نوشته است که رئیس الوزراء عقیده شان این بود که مجلس باقی باشد .

**رئیس** - در قسمت اول چیزی که فرمودید صحیح نیست فلان مسئله تصویب نشد یارد شد در نظامنامه ندارد در نظامنامه قدیده است که وقتی که مجلس تصویب نکرد که در یک مطلبی مذاکره شود آنمطلب رد شده محسوب است و رئیس اعلان میکند که آن لایحه رد شده است اما مسئله نانی اصلاح میشود .

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا نوشته شده است بنده مخالف با امتداد مجلس هستم در صورتیکه بند مخالف با امتداد مجلس نبود بنده عرض کرده با استنادیکه فعلا در دست است نینوائیم مجلس را امتداد بدهیم مگر اینکه ترتیب امتداد را بتوانیم بطرز قانونی بدست بیاوریم و الا در خود امتداد بنده مخالف نیویم .

**رئیس** - همین مخالفت بود دیگر در صورت مجلس ملاحظاتی نیست؟ ( آهاری نشد ) صورت مجلس تصویب شد مذاکرات راجع با بقای مجلس است آقای حاج آقا مخالفید بفرمائید .

**حاج آقا** - چون بنده مصمم هستم که بعد از اینکه این عرایض خودم را عرض کرده دیگر عرضی نکنم در این باب و این آخرین نقطی است که در باب عدم امتداد مجلس خواهم کرد از این جهة خواهش میکنم که آقایان درست ملتفت باشند که اگر جوابی میدهند راجع با شکالات بنده باشد که شاید بنده هم هم عقیده بشوم با آنها که میگویند باین ترتیب باید مجلس امتداد یابد ولی منذر میکنم آقایان را که در روز بنده خودم عرض کردم در اول وهله که

شاید عرایض بنده دربدو نظر بکفتری عجیب بیاید و شاید خطایات در جواب من گفته شود همین طور هم شد ولی باز مکرراً خواهش میکنم که همانطوریکه که اشکالات را عرض میکنم همانطور یکی یکی را یادداشت نموده جواب بدهند و قبلا هم لازم میدانیم در خارج سوه تفسیری شده عرایض در روز بنده و مفروضین معانی برای عرایض بنده ذکر کرده اند در این مقام رسمی عرض میکنم که لازم نیست که در مشروطه خواهی و آزادی خواهی خود چیزی عرض کنم و گمان نمیکنم که هیچکس باشد ولو از بزرگترین سردار های مشروطیت باشد بتواند ادعا کند که بیشتر از بنده در راه مشروطیت و آزادی فداکاری کرده بجهت اینکه بالا ترین اقدامات و فداکاریها این است که انسان آنچهزیکه اعزوالد اشیاء است پیش او در این راه خدا کند و اعز اشیاء جان است و بنده هم چندین مرتبه در ایشای این اساس کسانیکه بنده را می شناسند میدانند که بجان خود و قمی نگذاشته ام پس خواهش میکنم که آقایان درست گوش بدهند و جواب بنده را همانطوریکه عرض می کنم بفرمایند و سوه تفسیری هم در خارج نکنند بنده عرض میکنم اساس مشروطیت و حقیقت سلطنت ملی یعنی مداخله ملت در امور مملکت خودشان و اختیار داشتن ملت در اینکه خودش در ترتیب زندگانی و اقتصادی مملکت خودش مداخله بکند و اختیار خودش بدست خودش باشد و این مسئله باین است که ملت یک جماعتی را از طرف خودش انتخاب میکند برای یک مدت معین و این و کلاه که از طرف ملت منتخبند مشغول میشوند بجهت اداره کردن مملکت و آن چیزهاییکه لازم حفظ انتظام هیئت اجتماعیه ملت است قانون نویسی کنند و بدست جماعتی بعنوان وزیرا برای اجرا بسازند و آنها را مشغول اجرای آن قوانین بدانند بنابر این چون و کلاه از طرف خود ملت منتخب است لهذا ملت خودش اداره کردن امور خودش را و با رضا و رغبت آن قوانین را که از طرف و کلاه وضع میشود و بیژیر رد و قبول داشته باشد زیرا که خودش انتخاب کرده اکنون ملت و کلاهی خودش را برای دوسال انتخاب کرد و در آمدت اختیار خودش را بدست آنها داد و در این مدت و کلاه در مجلس مشغول وضع قوانین بوده اند و امروزه زمان آنها سر آمده و بنده چنانچه بارها عرض کرده ام ملت مشغول تجربه است و در صراط تجربه سیر میکنند پس می بیند در این مدت قوانینی را که و کلاهی او وضع کرده اند موافق میل او است یا خیر اگر موافق میل و صلاح عواری او بوده همین ها را انتخاب میکنند و اگر دید که خیر موافق عقیده و صلاح او وضع نشد دیگری را انتخاب میکنند که آنها مملکت را اداره بکنند و بیول او وضع قانون کنند حالا که مدت و کالت و آن حدودیکه معین شده بود برای آنها سر آمد ای با حق دارند داخل اداره کردن امور مملکت شوند بنده داخل فلسفه این می شوم که بیینم تعیین وقت برای چیست آنوقت آقایان جوابهایی خواهند گفت و تجویز میکنند این را که از حدود این وقت معین خارج میشویم اگر بنظر بنده هم صحیح باشد بنده هم هم عقیده می شوم اگر ما فرض کنیم این ملتی که بنده را انتخاب کرده از وضع اداره کردن من خوشنود نیست و می خواهد دیگری را بیاورد که

او اداره کند بترتیبی که مقصود او است چون عرض کرده که ملت در صراط تجربه است آیا با این تنفر موکر از وکیل ما حق داریم که در یک مدتی که مدت ما سر آمده داخل مجلس شویم و مشغول وضع قانون شویم و ترتیب بدهیم اداره کردن مملکت را آیا ملت حق ندارد با بگوید بجهت میزان شورای ملی بعنوان وکالت گذرانید و الزام میکنید قوه مجریه را که با بقولانند و ما اطاعت میکنیم و مجبور باشیم با طاعت کردن آن قانون در صورتیکه روح ما خیر ندارد از آن قانون آن زمانی که شما وکیل ما بودید و قوانین برای ما وضع میکنید مجبور بودیم که آن قوانین موضوعه شمارا اطاعت بکنیم ولی آن قوانین را که شما با اکثریت پنجاه نفر یا چهل یا سی و شش نفر گذرانیدید در خارج از آن مدت و کالت ما لازم الاجراء نمی دانیم زیرا که تعیین حد برای این بود که ما در موقع هدایت از دست شما خلاص باشیم و زیر بار شما نباشیم آیا حق دارند این حرف را بزنند یا خیر بنده عرض می کنم که حق دارند و قانون اساسی ما هم در چندین مواد که یک موادش اصل پنجم و یک موادش اصل پنجاهم قانون اساسی است میگوید در هر اجلاس که مدتش دوسال است یکنویت انتخاب خواهد شد در دو فصل بلکه سه فصل قانون انتخابات تصریح میکند که مدت و کلاه دو سال است روح مشروطیت و قوانین آن میگوید بنا که باید یک فرصتی بملت داد که وقتی که تجربه حاصل کرد دو مرتبه تجربه خود را اعمال نموده تجدید انتخابات بنماید و نباید یک هیئتی علی رهم ملت حکم بکند بواسطه اینکه ملت در مملکت مشروطه در اداره کردن خودش آزاد است و وقتی که ما نشستیم و یک قانونی گذاشتیم بدون اینکه ما وکیل ملت باشیم و ملزم کردیم قوه مجریه را که مجبور با جراه باشد آنوقت من میگویم مملکت از اصول مشروطیت خارج شده و ملت اداره نکرده است خودش را یک قوه دیگر برخلاف میل ملت مشغول اداره کردن امور ملت است و یک چیز دیگر که خیلی جای تعجب است این است که ملت وجود این امتداد را حفظ اساس مشروطیت و آزادی میدانند و بقای اساس مشروطیت با وجود مجلس توأم میدانند که اگر منتحل شود آزادی و مشروطیت تمام شده بنده عرض میکنم حافظ مشروطیت قلوب و احساسات ملت است نه احساسات شخصت نفر اگر ملت خواست خودش حفظ میکند اگر نخواست حفظ نمیکند مقصودی نیست که پنجاه یا شصت نفر حفظ بکنند اساس آزادی یک ملتی را احساسات روشن نورانی ملت باید حافظ اصول آزادی باشد چنانچه بود و هست حالا این اشکالات اساسی بنده است راجع بقانون گذاری و اساس اشکال من همین است که چطور میشود قانونی که پس فردا وضع کنیم مجبور کنیم مردم را با طاعت آن اما جواب داریم که بگوئیم مقتضیات ما را مجبور کرده است و آقای حاج شیخ رئیس فرمودند الضرورات تیج - المحظورات و این بالا تر از قوانین آسمانی نیست از بیانی که بنده اول کردم معلوم شد که بنده در عرایض خودم بقانون مستمسک نبودم بلکه عقیده ام این است اینطور رأی داده به بقای مجلس با روح مشروطیت

مخالف است زیرا وقتی که ملت انتخاب کرد من را یکی از نمایندگان هستم و وقتی که ملت وکالت من تمام شد یکی از افراد مردم مشوم مقتضیات امروزه را که دلیل قرار میدهند بنده تا بحال هر چه فکر میکنم نمیتوانم حالی بشوم که چطور است که مقتضیات امروزه حکم میکنند لزوم مجلس را که اگر مجلس نباشد در خطر است آن هم مجلس بعنوان قانون نویسی من واقعاً نتوانستم بفهمم این معنی را بواسطه اینکه من نگاه میکنم سایر ممالک و نگاه میکنم بکتاب و از علمای این فن می پرسم آنچه را که من فهمیدم می بینم میگویند اگر در یک مملکتی ( رولسیون ) و جنگ باشد دولت مجلس را می بندد و مشغول میشود بر رفع انقلابات رفع انقلابات که شد دو مرتبه مجلس را افتتاح میکنند و بستن مجلس هم برای این است که دست دولت باز باشد بتواند با جدیت مشغول رفع خطر شود و اگر هم انقلابات نباشد که مملکت در حالت امنیت و سکون باشد مدت و کلاه که تمام شد دوباره دولت امر بتجدید انتخابات میکند و مجلس منفصل میشود تا اینکه اگر دولت در یک موقعی صلاح بداند فوری امر بانفصال میشود و دوباره امر بانتخاب میکنند پس در هر دو صورت چه مملکت در حال رولسیون چه در حال آرامی و سکون باشد می بینم وجود مجلس ارتباطاً ما نیست و دفع مخاطره ندارد و وضع مخاطره را باید دولت بکند و همچنین امتداد مجلس یک ارتباطی بحفظ اساس مشروطیت ندارد بلکه یک وظیفه مجلس شوای ملی دارد و آن این است که روزیکه آخر دوره تقنینیه است باید یک کابینه که محل اطمینان مجلس شورای ملی است و نمایندگان اطمینان دارند بآن کابینه و می دانند که احساسات او احساسات حفظ حقوق ملت است و حافظ آزادی است یک همچو کابینه تشکیل بکند و آن کابینه مشغول کار باشد و بعد از آنکه دو مرتبه مجلس تشکیل شد آنوقت از آن امریکه در این موقع انفصال واقع شده است آن نمایندگان همه جور حق سؤال و استیضاح در کابینه خواهند داشت حالا بنده دلم میخواهد که آقایانیکه بعد از بنده تشریف میآورند و بنده را رد میکنند بفرامایند که مقتضیات امروزه که واجب کرده مجلس امتداد یابد چیست این کلمه مقتضیات امروزه یک مفهوم کلی است خوبست قدری واضحه بنده بفهمانند که اگر امروز مجلس نباشد آنخطریکه بنا وارد میشود آن چیست آیا ما کابینه باید درست بکنیم و مملکت را بدست کابینه بدهیم یا اینکه ما خودمان یک مدخلیتی در امر مملکت و ترتیبات قوم مجریه داریم بنده که تصور میکنم مدخلیتی در امر اجراییه مملکت داشته باشیم بلکه اگر فلجی در قوه اجراییه باشد بنده آنرا از جهت مداخله خودم و امثال خود میدانم یعنی مداخله غیر مشروع راسب این بجرانهای مملکت خود میدانم و پس وقتی که میگویند مقتضیات امروزه بخوادم بدانم که مقتضیات چیست و چه چیز ما را مجبور کرده است ما غیر از هشت قانون کماز بودن چه موضوعیتی داریم و الا کایات گویا انسان را خیلی گویز نبود امر را چه تلنگرافات فرمودند که تلنگرافات آمده است و آقای مین الرایا هم فرمودند این ملت همان ملتی است که چنین و چنان کرد بنده هم تصدیق

میکتم که واقعاً این ملت احساسات و عقاید و حیث خود را بعالم نشان داد ولی این هیچ منافات ندارد بعراض بنده اگر این تلنگرافات را دومرتبه بخوانند خواهند دید که آن تلنگرافات با کمال وضوح چنین بیان میکنند که تلنگراف کننده چنین تصور میکرد که اگر این مجلس منفصل شود تاو کلای جدید بیایند اساس مشروطیت برهم خواهد خورد دیگر مشروطیتی نخواهد بود و چنین و چنان خواهد شد این بود که بنده دیروز عرض کردم و امروز هم عرض میکنم که ما باید به ملت بفهمن و ملتت کنیم ملت را معنی مشروطیت این نیست که یک پنجاه نفری حاکم مشروطیت باشد و اگر پنجاه نفر بخواهند مشروطیت از میان میرود خیر مشروطیت حافظ حساب ملت است و بس معنی مشروطیت آن است که ملت خودش حفظ حقوق خودش را بکند این را باید مردم حالی بکنیم که بقای مشروطیت با احساسات ملت و بند ملت است نه بند بنده و مشروطیت ابداً در انفصال مجلس بهم نخواهد خورد اما اینکه میگویند ما میترسیم شاید وکیل نباید و اسباب تأخیر انجام در انتخابات شود بنده برعکس تصور میکنم که وقتی که مجلس نباشد مردم بیشتر هجوم میآورند برای انتخابات زیرا همانطور که گفتند مردم وقتی که شکایت از یکی مصادره امور داشته شکایت خودشانرا یکی از وکلاء میکردند یا به مجلس وقتی که مجلس امتداد یافت باز آن شکایت به مجلس میکند ولی پس از آنکه مجلس منفصل شد مردم مجبور میشوند کدر کمال عجله و اشتیاق شروع بانتخابات بنمایند برای اینکه مرجع تظلمی داشته باشند و برنکس در صورتیکه مجلس منعقد باشد یک مقداری ظفره در باب انتخاب وکیل خواهند رفت و اما اینکه گفته قسانون اساسی تغییر کرد بنده نمیخواهم داخل شرح آن تغییر بشوم که چطور تغییر کرد و آقای شیخ رضا میگوید خود تغییر دهنده حق داد که به مجلس شورای ملی نظر بکنند در مدت و فتره بنده هیچوقت نمیخواهم داخل دعوت و عدم صحت این مطالب بشوم بجهت اینکه یک وقتی آقای معزز الملک در این امر داخل شدند بنده فقط عرض میکنم که اگر آقای آقا شیخ رضا خوب ملاحظه بفرمایند در همان مقدمه نوشته است که مجلس بموجب حق که دارد نه حقی که به مجلس داده میشود چون نوشته است بموجب حقی که برای مجلس مقرر است باید دید که این حق کجا مقرر است ترتیب نظر کردن در قانون اساسی ابداً در هیچ قانونی نوشته نشده و ترتیبی بدست مانده و ترتیبش هم اگر باشد بنظر مجلسین است باز رجوع کردن بملت و اگر هم اینطور است که میفرمایند یعنی اصل پنجم قانون اساسی نسخ شده باشد اصل پنجاهم که نسخ نشده و آنکه می اگر اینطور باشد که اصل پنجم نسخ شده باشد و بجای آن منسوخ هم ماده گذارده باشند و نوشته شده باشد که اختیار با مجلس است که قبول کند رد کنند آنوقت مجلس هم خوب است رأی بدهد که دو سال دیگر هم ما بنشینیم دوره تقنینیه جرادو سال باشد ۴ سال باشد ۶ سال یا ۱۰ سال باشد و همچنین باز هم خودمان حق داریم نظر بکنیم و ممکن است امتداد بدهیم اگر این فرمایش صحیح باشد و عدل بر این عقیده شود من تصور میکنم که باز تاریخ تجدید شود و عصر (حکرمبول) و وکلای پارلمان انگلستان

در عهد کمربول در ایران تجدید شود بنده گمان نمیکتم که این باختر مایا باشد که هر وقت بخوامه بگوئیم وکیل هستیم و اینطور نیست که هر مدتی که بخوایم امتداد بدهیم بتوانیم خواهش میکنم که این جواب من را بدهد بلکه بطوری میشود که مجلس به نشیند چون بطوریکه یکی از آقایان نمایندگان گفت که وکلاء دو حیثیت دارند یکی راجع بقانون گذاری است که بنده قانون گذاری را دیگر حق مجلس میدانم و یک حیثیت دیگر این است رفع مضرات را بکند این صحیح است که بنشینند فقط حفظ صورت را بکند و اگر واقعاً ضرری یا صدمه وارد شود و لازم باشد که مداخله بکنند حاضر باشند برای مداخله و ابداً قانون گذاری نکنند و حقوق هم بگیرند فقط بنشینند ای مدافعه بنشینند برای حفظ ثنور مملکت و الانشستن و کلا برای وضع قانون بعنوان رسمیت و ترتیباً اینکه امروز هست بنده ابداً تصدیق نخواهم کرد

**حاج شیخ علی خراسانی** - بنده فرمایشات حاج آقا را یکی یکی یادداشت کرده و همانطوریکه تقاضا کرده اند یکی یکی جواب داده شود یکی یکی جواب خواهم داد اما بطور اختصار جواب خواهم گفت نه بنان نظر ملی که حاج آقا بیان کردند اولاً آقای حاج آقا شرحی از مشروطه طلبی و اینکه زحمت کشیده اند برای مشروطیت و ترمیم از خودشان کردند بکلی خارج از موضوع بود تا بنای شرحی راجع به تجربه ملت و اینکه ملت در صراط تجربه است بیان کردند و باز انتخابات را باید واگذار به ملت کنیم که آن تجربیات خودشانرا بکنند هر ضی میکنم همانطوریکه ملت در صراط تجربه بود همانطور عرض میکنم و کلاه و نمایندگان که این جا نوشته اند اظهارات و حسابات آنها کاشف از احساسات خود ملت است و اگر وجود مجلس و این ترتیبات برخلاف میلش بود باز اظهار حسابات نمیکرد و لزوم مجلس حائلیه را باز تصدیق نمیکردند و چون ملت فوائد وجود مجلس و مضرات عدم مجلس را حس میکنند این است که تقاضا می کند که مجلس باید امتداد بیاید بانتخاب و کلای آتیه بشود و نصف بعلاوه بکاز آنها در مرکز حاضر شوند و اما آنچه راجع بقانون اساسی است اگر چه خودشان در آخر اظهاراتشان یک مقداری تعدی کردند که در آن مواد نسخ شده است و اختیارش دست خود مجلس است فرض می کنم که نسخ هم نشده است و آن مواد هم باقی است یعنی عین قانون اساسی است آنوقت آن آخر اصل راجه میکند که وقتی آخر دوره تقنینیه است که وکلای جدید حاضر شده باشند اگر آن چند اصل نسخ شده است پس اختیارش دست ما است که میتوانیم یک ماده اضافه کنیم که تا وقتی که نصف و کلاه حاضر نشدند مجلس باقی خواهد بود و این ماده در تمام دوره های تقنینیه باشد که تا وقتی که نصف از وکلاء حاضر نشوند مجلس حق انفصال ندارد و این خودش یک ماده است قانونی و خیلی خوب است علاوه بر این که عرض می کنم ملاحظه اساس مملکت مقدم بر تمام مطالب و اصول قانون اساسی است وقتی که ما به بینیم بواسطه انفصال مجلس یک سکنه با خدای نکرده یک خطری متوجه مملکت و عموم ملت وارد میشود بهتر همان است که مجلس باقی باشد و اینکه میفرمایند علی رغم ملت است علی رغم ملت نیست و بحسب خواهش و بنا بر

تلگرافات هرایزی است که از تمام ملت رسیده است از طرف ه نفر یاده نفر نبوده است در آذربایجان متینک صومی دادند و صوم ملت تصدیق کردند آن وقت تلگراف کردند وهم چنین خراسان و از سایر ایالات و ولایات هم تلگرافات بقوه مجریه رسیده است دو آتقدیر که بمجلس رسیده است و اینکه میگویند تجدید انتخاب برای پرور حسابات ملت است بنده نمی دانم حسابات ملت کدام است مگر غیر از این است که تلگراف کنند و بقاء مجلس را بخواهند حالا اگر از شیراز تلگرافی نیامده است چه باید کرد و اینکه آقای رئیس الوزراء لازم دانستند بقاء مجلس را تا وقتی که کابینه تشکیل شود وشاهم تصدیق فرمودید لزوم بقاء مجلس را تا آنکه کابینه وزراء تشکیل شود و کابینه که طرف اعتماد مجلس است بمجلس معرفی شود ولو ده روز طول بکشد مدت بقاء مجلس این هیچ فرق نمیکند درست الثفات بفرماید اگر بقاء مجلس یعنی امتداد مجلس را غلط می دانید یکساعت هم امتداد نباید غلط است اگر پنجروز یا ده روز صحیح است فرق نمی کند سماه هم صحیح است پس فرقی ندارد که ما باشیم یا اینکه آن و کلا بیایند آن وقت بلند شویم یا اینکه باشیم تا اینکه کابینه بمجلس معرفی شود به اینکه منکر شدند که بملت اینطور فهمانیده شده که اگر این مجلس انفصال پیدا کند مشروطیت متزلزل خواهد شد و باقی مشروطیت بسته به بقاء مجلس است لهذا این تلگرافات را کرده اند که منشاء این تلگرافاتی است که از خارج آمده این بوده است که بملت فهمانده اند که اگر این مجلس نباشد مشروطیت از بین خواهد رفت بنده اگر این را تصدیق نکنم تصدیق خواهم کرد که نزدیک بآن خواهد شد و اینکه فرمودند ملت خودش باید حافظ حقوق خودش باشد این یک اشتباهی است که کردند که ملت باید خودش داخل در اجرا باشد چون ممکن نیست که تمام افراد ملت مداخله در امور خودشان مستقیماً نکنند این است که ما را انتخاب کرده و اینها فرستاده اند فرستادن مادر اینها برای چیست برای این است که حافظ حقوق آنان باشیم و اگر حافظ حقوق خودش باشد فردا فرد در امورات خودشان مستقیماً مداخله کنند که این اسباب هرج و مرج خواهد شد و حکومتی همین نخواهد شد حکومت ملی منبش این است که و کیل معین بکنند که آنها بیایند حفظ حقوق آنها را بکنند در آخر هم فرمودند که مضراتی در عدم مجلس است و مجلس هم اگر باشد باید حقوق بگیرند کسی این با اظهار نکرد که ما حقوق میخواهیم بگیریم دیگر آنکه اگر مضرات را تصدیق دارند چگونه تصدیق ندارند که مجلس باقی نباشد اینها جواب آقای حاج آقا که بطور اختصار عرض کردم امساجع به بقاء مجلس بنده یک نفری هستم که شاید اکثر آقایان اطلاع داشته باشند که بنده اجازه خواستم واستعفا هم دادم و بعد موقمی اتفاق افتاد که استعفاي خودم را مسکوت نه گذاشتم و شاید بدهم یک کار خدائی اتفاق بیفتد که بر من راحت و استراحت و کلاه این است که مجلس منفسل بشود و بروند راحت باشند و بنده یکساعت راضی نیستم که باشم در اینجا بنده خودم را که می بینم می دانم اینطور است بنده عهده ام این است که اگر در همچو روزی که سه روز باخر

دوره تقنینه باقی مانده همین ۱۰۰۰۰۰ و دهمزار و پنجاهزار نفر تلگراف در خصوص بقاء مجلس ننموده بودند و رئیس الوزرائی هم مثل آقای صمصام السلطنه در این جا بقا بمجلس را لازم نمی دانستند بنده آن کسی بودم که با این حالت حاله مملکت مجبور بودم اظهار عقیده بکنم برای یک روزی که نگویند چرا نمایندگان ما نگفتند و از مجلس تقاضا میکردم که بولایات تلگراف بکنند که اگر مجلس انفصال پیدا بکند شاید خطراتی بزرگ متوجه این مملکت بشود مخصوص ادای وظیفه که بمن سپردند در این آخر مدت انتخاب و نمایندگان بشما میگویم مجلسان را کما فی السابق نگاه دارید و فوری تجدید انتخاب بکنید یک مسئله دیگر که لازم است عرض بکنم این است که بعضی مسائل را مثل میزنند در آن طول نمیکشد ولی در این مملکت اگر بسرعته انتخابات انجام یابد اتملا ۳ ماه طول خواهد کشید و ممکن است ۶ هفت ماه هم طول بکشد پس از این جهت هم بهیچوجه این مملکت با سایر ممالک طرف مقایسه نیست و بنده عقیده ام این است اگر این مجلس منفسل شود قبیل از حضور نصف بعلاوه یک از نمایندگان خیلی تهدیدات بزرگ باین مملکت خواهد شد

**حاج سید ابراهیم**

بنده در باب این تلگرافاتی که آمده است عرض میکنم که این تلگرافات را اظهار قدر دانی یعنی حسن ظن ملت است از نمایندگان خود که قدر دانی کرده اند باید این تلگرافات را جواب داد و اظهار تشکر کرد و یکی دیگر این که این تلگرافات دلیل است بر پیداری ملت و حسابات ملت است که پس از آن زحماتی که در راه مشروطیت کشیدند مجلس شورا را از همه چیز عزیز تر میدانند و راضی نمیشوند که یک روز دارای مجلسی نباشند اگر چه تعطیل قانونی باشد پس جوابی که باید بآنها داد اولاً اظهار تشکر و ثانیاً تحسین و تمجیدی از این حساباتشان باید نمود ولی در اصل مسئله تمدید مجلس بنده نمی دانم که در چه مباحثه و مناقشه میکنم موضوع مناقشه و مباحثه ما چه چیز است اگر موضوع مباحثه این است که مدت را ما زیاد کنیم تا یک مجلس مجددی منعقد شود یا این که این تلگرافات را بمنزله قانون انتخابت ما قرار بدیم یا این که بطور فوق العاده بشینیم و هیئت مشاوره دولت باشیم یا قانون گذار باشیم اگر اینها است هیچیک از اینها حق ما نیست و نمیتوانیم برای خودتان معلوم کنیم و اگر همین تلگرافات اکتفا کنیم و این را یک نوع انتخاب قرار بدیم اینهم نمیشود بجهت این که موافق آن نظامنامه ای که در تمام ممالک نوشته شده و این جا هم نوشته ایم باید بمجلس با انتخاب و بآن ترتیب که قانون معین کرده است باشد و این تلگرافات هم هیچ دلیل نمیشود بر انتخاب ملت و حال آنکه این تلگرافات از تمام ملت یا از اکثریت ملت نیست از آذربایجان است یعنی از شهر تبریز از خراسان هم همینطور نه این است که از شیراز تنها نباشد بلکه از بسیار جاهای دیگر هم نیامده از کرمان و یزد و غیره هم نیامده و اگر هم ملت تقاضا میکند باید از دولت بخواهند و دولت باید جواب آنها را

بدهم هر دو ریکه مقتضی میدانند یازین که به مجلس رجوع کند یا این که بآنها اطلاع دهم که این تقاضای اکثریت ملت نیست یا اگر رای اکثریت میداند بپذیرد و اعلان ابقاء مجلس را بدهم و اگر ما خودمان بخواهیم مدت را زیاد کنیم نمیتوانیم بجهت این که در قانون اساسی تعیین کرده است ۲ سال است به آن اصلی که نسخ شده است آن برای ابتدا مدت بوده که نوشته شده ابتدای مجلس وقتی است که و کلاهی تهران حاضر شوند این ماده نسخ شده است اما این که مدت ۲ سال باشد ابتدا نسخ نشده است راست است که بموجب مقدمه نظامنامه انتخابات حق داریم که نظر کنیم در این اصل نسخ شده چنانچه این نظر هم یک اندازه شد مثل این که در آن نظامنامه انتخابات عده و کلاهی ایران را ۱۲۰ نفر معین کرده بودند و ۱۳۶ نفر رای گرفته شد ولی در این ماده که اصل مدت باشد و حق مباحثه در آن نداریم و نمیتوانیم صریحاً نقض قانون اساسی نمایم مگر بترتیب اخذ آراء اکثریت ملت اگر بخواهیم که یک مجلس فوق العاده تشکیل دهیم این مجلس فوق العاده را نمی دانم بجهت ترتیب باید تشکیل قانونی داد و بجهت ترتیب ما مباحثه در او بکنیم آنرا ملت باید از دولت بخواهد و دولت قرارش را بدهد و این مجلس بطور فوق العاده بنشیند و حدودش را هم معین بکند که آیا وظیفه آن مجلس این است که قانون بنویسد یا نظارت در قانون بکند یا کار دیگری بکند الان بنده نمی دانم که تلگراف کنندگان چه خواسته اند و نمی توانم تصدیق کنم که این مجلس قانونگذاری می تواند بکند یا اگر بگویند وظیفه اش این است نظارت در قانون گذاری داشته باشد بنده خودم میگویم مدتی که رسمی و قانونی حق نظارت داشتیم نظارت در قانون گذاری از بنده نیامد بجهت اینکه مدتی است هر چه سؤال واستیضاح میکنم کسی حاضر نمیشود جواب بگویند دیگر چه نظارتی میتوانیم بکنیم غیر از قانون گذاری و نظارت هم که حق نماینده نیست پس بنده نمی دانم که موضوع مباحثه چه خواهد بود دیگر آنکه بنده عقیده ام این است که در اختتام مجلس اگر تمدیدش لازم شود حق سلطنت است اگر چه در قانون اساسی تصریح نشده است یعنی اگر بقوانین اساسی دول که نگاه کنیم می بینم که باید دولت یعنی نایب السلطنه اعلان بکند و امتداد مجلس را بخواهد والا اینکه خودمان مباحثه کنیم در مجلس یاری بدیم هیچ نتیجه ندارد و عقیده بنده این بود که این دوسه روزه که در این باب مذاکره کردیم بهتر این بود که تعقیب رفع بحران وزراء را بکنیم که تا پنجروز ده روز دیگر کابینه صحیحی داشته باشیم که اگر مجلس هم منفسل شود بلکه هیئت مسئول مملکت داشته باشیم بجهت اینکه هیچ نمی توان گفت مجلس مسئول مملکت است مجلس قانون گذار است و مسئول خود نظم مملکت هیئت وزراء است امروز رئیس الوزراء میگویند که وزراء تکمیل نشده اند تکلیف ما این است که در چند روزه که رسمیت داریم ولو باینکه یکساعت منتخبت بکنیم که خدمت والا حضرت شهود شوند و یک عده هم معین شوند که معاونت فکری با وزراء بکنند و تشکیل کابینه بدهند این مسئله خیلی اهم از این است که داخل در آن هستیم و بنده اخیراً عرض میکنم موضوع رای اولاً باید

معین شود بجهت اینکه بنده بدانم در چه رای میدهم باید موضوع رای چیزی باشد که قانون حق داده باشد پس که در آن مذاکره بکنیم والا مذاکره در مطلبی که موضوعش را قانون اجازه نداده باشد هیچ صحیح نیست

**حاج شیخ الرئیس**

برای اینکه اطلاع کلام نشود پیشنهاد بنده را اجازه بفرمایند خواننده شود به اگر اجازه بفرمایند توضیح بدهم

**رئیس** - باین ترتیب نمیشود باید برود کمیسیون مبتکرات

**حاج شیخ الرئیس** - بنده از مذاکرات آقایان نمایندگان در طرف دیروز و امروز همچو میفهمم که گویا تمام در این جا با بنده و موافقین با بنده همراه هستند حتی آتهائی که اظهار مخالفت می کنند و مقتضی میدانند امتداد مجلس را ولی مانی درین است که آن مانع بنظر آقایانی که مخالفت میکنند مانع قانونی است و تصور آن مانع قانونی خیلی سهل است بذهن همه کس می آید که وکالت اول معدودی دارد و در تانی موکل باید اجازه وکالت بدهد ولی بیش از آنکه داخل در آن فلسفه بشوم که بتوان همین احساسات ملی و احتیاجات فوریه این اتفاقات کثیره که در نظر همه نمایندگان است این یک مجوز قانونی باشد برای اینکه این مجلس امتداد پیدا کند داخل آن فلسفه نمیشوم زیرا که بنظر بعضی خطابه یا شریات می آید لهذا یک پیشنهادی تقدیم بهیئت رئیسه کردم گمان میکنم که این پیشنهاد را بعد از آنکه از کمیسیون برگردد قابل توجه آقایان نمایندگان و مجلس قابل توجه بدانند و این اشکالیکه شده است که قانون اساسی مدت مجلس را در سال معین کرده است بنده اینرا بکلی تکذیب میکنم زیرا که این تبت تمام قانون دان و قانون گذار هستند و میتوان گفت که در حفظ قوانین اول شخصند وقتی پیشنهاد کردند که مدت مجلس سه سال باشد هیچیک از نمایندگان حتی آقای رئیس که بگانه حافظ قوانین است رد نکردند که این پیشنهاد غلط است این بود که رای گرفتند و اکثریت مجلس مستصدی تصویب نکرد پس خدمت آقایان عرض میکنم که اگر آن گذشته بود یعنی تصویب شده بود که سه سال باشد هیچ اشکالی نداشت پس بنا بر این پیشنهاد میکنم و خدمت آقایان عرض میکنم که امروز که دوره تقنینه مجلس بر نیامده است میتوانیم یکی از نمایندگان پیشنهاد بکنند چنانکه بنده هم پیشنهاد کرده ام این مسئله که امروز مجلس ابتلائی ما شده است یعنی این در دوره سابق چون محل حاجت نبوده است مقنن هم ساکت بوده که آیا بین مجلسین در زمان فترت ر و آلام بر حسب اتفاقات اگر احساس کردند که در آن موقعی که مجلس منفسل میشود آن مدت فترت مجلس مؤید پاره اشکالات خواهد شد که یکی با حفظ منافع مملکتی و مصالح جامعه مملکتی تمامی است و با اکثریت رای دادند مجلس منفسل نشود تا زمانی که نصف بعلاوه یک کلاه جدید حاضر شوند و مجلس بر قرار بماند و نمایندگان بوظیفه قانونیه خود رفتار بکنند قطع نظر از اینکه میبپذیرد یارد میکنند خود این پیشنهاد را اگر قانونی میدانند و اگر تصویب بفرمایند گمان میکنم

که رفع این نگرانی بشود آنوقت که حالت حاضره مملکت را ببینند و بآن نقطه نظری که بنده توجه هستم اگر چه آقایان هم از بنده متوجه ترند اما انسان است بعضی متوجه مشرقند بعضی مغرب و بنده که متوجه مغرب هستم میبینم افقش تاریک است پس بنده بعقد خودم و بحیات نقطه نظر خودم عرض میکنم و اذهان آقایان را متوجه میکنم و بهمین تشبیهی که میکنم که حالت حاضره مملکت خودمان را چون بنده اسلامی هستم بیه مثل حالت صدر اسلام و رحلت آن مقنن کلل میدانم که جمعی از مؤمنین مرتد شدند و بر ضد مسلمین رفتار کردند و جمعی از منافقین برای اینکه اساس تازه اسلام را فاسد کنند بآن خیالات فاسده افتادند در بنده که مهاجرین تماماتق رای برای حفظ حکم جامعه اسلامی آن مدینه موزه را که دارالسلطنه اسلامی بود یک مرجعی برای مسلمین معین کردند امروز حالت دارالشورای ملی همین حالت را دارد باین اختلال امور باین بی انتظامی تهورا این عدم تکمیل کابینه بآن تزلزلی که در مبادی غالبه همه متوجهند اگر مردم مجلس را نداشته باشند آنوقت خطرات عظیم بمملکت ما خدا نکند و امیدوارم این حدث من بوقوع نرسد و از حدسهای کاذب باشد و هیچ مخالفت با قانون ندارد اینکه امتداد مجلس را بدهید تا اینکه نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان بیایند عقیده بنده همین است و عقیده آزاد است

**آقا سید محسن مدرسی**

اولاً عرض میکنم که آقایان میدانند که موکل بنده ضد است تا نایبدر یکماه قبل از این بنده از اشخاصی بودم که خیلی سعی داشتم در تمدید مجلس شورای ملی و مجالسی هم بجهت این مطلب زحمت با آقایان دادم چه در منزل خودم و چه در همین جا و خیلی مذاکرات شد آقایان هم در چند مجلس تشریف داشتند که حتی بایشان عرض کردم اگر من طرفی داشتم نه تبریز و اشنائی داشتم خود عریضه عرض میکردم که موافقت بکنند در این مطلب و با بعضی از آقایان رفقا مذاکره کردم که عقیده بنده در تمدید مجلس است و بآنجهائی هم که دست داشتم که از جمله اصفهان باشد نوشتم که مجلس ترتیب بدهند و در این مسئله مذاکره بفرمایند که من خیالام بر این است بیستم صلاح چه چیز هست کافهم رسیده است چون طریق قانونی بنظر من منحصر آمد بوجه عامه موکلین لهذا در این طریق با آقایان جد و جهد کردم که هر کس دست دارد بجائی بنویسند که مملکت در خطر است در خیلی از ممالک بگیریم و خودم هم نوشتم چونکه تو کیل بزرگ خودمان خودمانرا این مجال است نه فقط که خودمان خودمان را و کیل بکنیم فرق است بن غلط و معال بسا هست که کار غلط خیلی بکنیم اما محال ممکن نیست و بنده نمیتوانم خودم را و کیل بکنم طریق قانونی منحصر است برای اکثریت ملت انصافاً این طریق هم تحصیل نشده است البته آتهائی که تلگراف کرده اند نظرشان عالی است مثل این که خودم خیلی اهتمام در تمدید مجلس داشتم برای اصلاح مملکت و این خطراتیکه بر ما وارد است و بنده هم حسن خودم را عرض بکنم که همچو مجلسی که ما داشتم در این چند ماه بیاید زمانیکه تاریخی باشد که دیگر این و کلاه که دارند باین استقامت و ثبات قسمی دیگر ملت نخواهند دید حالا گله بکنند

مطلبی است من حسن میکنم که همچین و کلاهی در تاریخ میگویند که از اطراف دور آنها را متردین گرفته بودند خوب اینها که در دوفرسخی تهران بودند اگر وارد میشدند انان کاری که میکردند خدمت شما میرسیدند همه روزه بنده حاضر میشدم نگاه می کردم که بیستم یک نفر هست ضه نیامده است خدا شهادت است که دیدم همه شان بودند بیستم ثابت قدمی آقایان تاجه مفدا ز است حال بشنوم مردم که دارند لکن بنده میگویم بعد از این در دوره های دیگر هم چنین و کلاهی باین ثابت قدمی نخواهد آمد و تاریخ این مسئله را خواهد نوشت لکن ما باید بهما امکان بآن طریق قانونی یا بطریق صلاحی رفتار کنیم طریق قانونی این است دستمان کوتاه است ولو از چند جاهای معتبر تلگراف کرده اند لکن بنحوی که میتوانیم بگوئیم اکثریت ملت الان خواهش بقاء مجلس شورای ملی را کرده اند این را بر سبیل جزم نمی توانم عرض بکنم و این ترتیب منحصر است یک طریق که این هیئت که هستیم واقعا اگر صلاح نوع مملکت بر این باشد که خدای نخواستہ اگر این مجلس منفسل شود یک مفاسد عظیمی مترتب شود و باید باشیم و اگر خدای نخواستہ موکلین شما بگویند که بلند شویم بر نخواستہ خواست صلاح در این دیده شد این مهالک و این مفاسد که هست رفع شود اگر دارالشورای منعل شود رفع این مفاسد نخواهد شد حالا بانظر صلاح و صواب و تأمل همه باید ملاحظه کنیم که واقعا اگر وجود این مجلس مقدس برای رفع این مفاسد مداخلت دارد باید بنشینیم و ابتدا منتظر تلگراف هم نباید باشیم بواسطه مصالح امروز و حال این مملکت و اگر مثل از بیست روز بیشتر تا بعال که ابتدا شغلی ما بجا نمی آوریم الا اینکه یک بودجه می آورند یا دو تومان از یکی کم میکنیم یا زیاد میکنیم همین مطلب را از اصفهان باین عنوان از برای من نوشتند که شما مذاکرات روزنامه مجلس را گویا نمی خوانید اگر خوانده بودید این خواهش تمدید مجلس را نمیگردید بواسطه اینکه بپروا حمدی تا پشت دروازه اصفهان را چاییدند کدم را ۲۳ تومان میفروشند و میگویند اگر شما کدم نومی خواهید سی تومان و حسین کاشی سال اهالی کاشان و اعراض مردم را برد قشون متردین که شکست خوردند ابتدا کسی تعاقب نکرد شیراز در انقلاب است هر جا حکومت دارد حکومت چنگیزی است هر جا که حکومت ندارد اکل و ما کول است و ابتدا در مذاکرات یک ماهه مجلس ابتدا این مذاکرات را نمیکند اگر می خواهید بنشینید و در اسامه مملکت و کعبیت فقراء و تغلیم مملکت و دفع مفسدين يك ماهه نه شش ماه بنشینید و اما اگر حصکایت بودجه درست کردن است فلان مجاهد در فلان جنگ بند رکشایش پاره شد و بیست تومان در باره او برقرار کنند و فلان آقا بگویند بدهید یکی بگویند بدهید لا ز نیست همچو مجلس اگر واقعا در فکر اسامه مملکت هستید بنده میگویم که واجب و لازم است و لوا اینکه موکلان تلگراف کنند که بر خیزند و الا بفرموده آقای حاج سید ابراهیم اگر استیضاح هم بکنم جواب بدهند لازم نیست همچو مجلس در صورتی کاربردست دیگری باشد به بیته فایده دارد یا ندارد نشستن حالا پس بنده نه موافقت

نمخالف ملاحظه کنید اگر برای اساس مملکت فایده دار و به نفع باشد.

**هشترودی** - اولاً این عرض میکنم که بنده وکیل ملت هستم نه وکیل خدا کارخانه خدا را نمیتوانم اصلاح بکنم و اگر آن حرفها را بنده نزنم یا جواب بدهم میترسم زنگ رئیس صدا بکند از آن میکندم بنده وکیل ملت هستم باید از جانب ملت صحبت بکنم و از جانب ملت جواب بشنوم اکثریت ملت هر چه شد اطاعت کنم باین مجلس باین سمت آمدهام اکثریت ملت را اکثریت مجلس میدانم و اقلیت ملت را اقلیت مجلس میدانم یعنی نماینده ملت را این مجلس میدانم هر مسئله که شد در اینجا اکثریت بهتر طرف شد آن را نماینده اکثریت تمام ملت ایران میدانم اقلیت اگر شد اقلیت تمام ایران میدانم و این عقیده بنده است نسبت باین مجلس و معلوم است که نظم و حفظ این مجلس هم راجع به هیئت رئیسه است و باید اطاعت هم بکنیم که خارج از موضوع نشویم یا اگر شدم زنگ زدن اطاعت کنیم برویم سر جای خودمان بنشینیم و بنده همچو فهمیدم که غالب از آقایان خارج از موضوع صحبت کردند ولی چون من اینطور فهمیدم متمر نشدم اگر حضرت رئیس آنطور فهمیده بود لابد زنگ میزد مثلاً بعد از اینکه خود گمد برای داده شد شاید در کیفیتش صحبت علیحده شود که آیا بیحقوق بمانند یا حقوق. کیفیتش بعد از تمدید است بنده اینها را در میبینم و هر مذاکره که شده است خارج از موضوع شده است لکن فرمایشات آقای حاج آقا را بعضی جواب دادند و بعضی جوابهای او را مضمناً بنده باید عرض کنم تا برسم بآن فرمایشات آقای مدرس که اگر حیات مایین جور شد که واقفاً وجود این مجلس را لازم دانستیم با وجودیکه ملت اجازه نداد میتوانیم بنشینیم اگر هم لازم ندانیم باید بعنوان دیگری که بنده خودم هم شاید از ارکان یا از کوچک های افراد این ملت هستم باید بوظیفه خودم مثلاً یک کاری بکنم آنچه ندر این جا در برین مجلس اینک آقای حاج آقا اظهار کردند که مشروطه را معنی کردند باین که ملت در سیاست مملکت مداخله بکند آنچه در یک فکر معینی که ملت انتخاب کرده یا خود قانون معین کرده است بعداً اگر ملت راضی شد در رأی بورت آن ملت مداخله بکنند اگر راضی نشدند دیگران بیایند این توضیح واضح است همه میدانند در خارج شاید بعضی معنی حکومت ملی را ندانند ولی در مجلس و کلاسه فهمیده اند که همین حکومت ملی که بنسبت نماینده کان امور مملکتی را اداره میکند یعنی وضع قانون بکنید بدهند بملت قوه اجرائیه اینرا گویا ملت خودشان کردند (یعنی گویا هم نمی خواهد خودشان این را کرده اند و خودشان آن قانون را گذاشته اند و خودشان هم اطاعت کرده اند اساس کار بخته اند خودشان کرده اند ملت خودش اساس را بخته خودش قانون وضع کرده خودش انتخاب کرده الله وکیل ملت هستیم باید هر قانونی که میگذاریم آنها گذاشته اند و به قوه اجرائیه هم که میدهند آنها داده اند اجرام که بشود باز خود ملت اجرا کرده خودش هم اطاعت کرده این از توضیح واضحات بود حالا چون آنوقت معین گذاشت دیگر بعد از آن نمیشود شخص وکیل ملت شود.

**رئیس** - باقی نطق را بگذارید برای بعد

از نفس چون عده کافی نیست یکریب نفس است (در این موقع نفس شد .)

مجدداً بعد از نفس جلسه تشکیل شد .

**رئیس** - دستخطی از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده است قرائت میشود دو جلرا دستخط والا حضرت اقدس به مضمون ذیل قرائت شد .

(۱) بتاريخ ۱۹ شهر ذی قعدة ۱۳۲۹ ریاست مجلس شورای ملی .

مشروح به مجلس شورای ملی نوشته لفه ارسال میدارم که ملاحظه فرمائید و بفرمایید با علم و اطلاع که باوضاع حاضر در این صحت و اعتبار خود را در فرستادن این مشروح - داشته و ناچار بوده ام و البته باخبر خواهی به حسن بیانی که جناب عالی در بنده نماینده کان محترم کاملاً حالی خواهید نمود که در این توضیح که بواسطه ترا کم امور ضیق وقت برای مجلس شورای ملی حاصل است و تاریخ انعقاد مجلس جدید معلوم نیست فوراً توجه کامل در مندرجات مشروح مزبور لازم است و از خبر خواهی و حسن بیانات عالی انتظار دارم که توجه کامل نماینده کان محترم را با اهمیت موقع جلب فرمائید که در کلاسه مندرجات مشروح مزبور انشاءالله نتیجه مطلوبه سر به حاصل شود و سوء انتظاری در امور مملکت بظهور نرسد منتظر نتیجه فوری هستم و اگر هم میدانید نتیجه حاصل نمی شود آنرا هم اعلام بنمائید .

(۲) - مجلس شورای ملی .

چون خاطر نماینده کان محترم کاملاً از حالت حالیه و اوضاع کنونی مملکت مستحضر است هر چه در این باب اظهار شود توضیح واضح خواهد بود همینقدر بطور اشاره و اجمال یادآوری مینمایم که چنانکه خاطر آقایان مستحضر است کابینه وزرا از چندی باین طرف ناقص و تقریباً در شرف تحلیل بوده است و با اینکه خدمات جناب مستطاب اجل اشرف افخم آقای مصمص السلطنه رئیس الوزرا دام اقباله بدولت و ملت معلوم است بواسطه همین بحران و عدم موافقتی که محسوس گردانند مدتی است ایشان هم در زحمت و محظوره هستند بطوریکه تصمیم بر استعفا کرده بودند و اینجناب ایشان را منع کردم ولی بدیهی است بدون تشکیل و تکمیل کابینه و معاونت و موافقت لازمه یک نفر شخص واحد ایشان نمیتوانند بنای خیر را که در خدمت مملکت و آسایش ملت و انتظام بلاد دارند از قوه بغل بیاورند چون موقع انتخابات در بین است علاوه رفیع اطراف مشکلات بهار آتی معلوم است مسلم است که اگر کابینه بطور صحیح و موافقت ایشان و اظهار همراهی کامل مجلس شورای ملی بسرعت هر چه تمامتر تشکیل و تکمیل شود و بلافاصله پروگرام عملیات خود را در حفظ نظم ولایات و آسایش اهالی که حسن جریان انتخابات منوط بدان است و تهیه جلو گیری مشکلات بهار آتی به مجلس شورای ملی پیشنهاد نموده و بنظر نماینده کان محترم نرسد و آنچه برای اجرای مقاصد فوق لازم بدانید در مجلس شورای ملی قبول نشود در این موقع باریکه هیچوجه اطمینان خاطر از صحت جریان امور و تهیه جلو گیری مشکلات مملکتی میسر نخواهد بود بنا بر این اینجناب اهمیت موقع را خاطر نشان نموده اظهار میدارم که وظیفه واجب

خبر خواهی نماینده کان محترم بر این است که فوراً در تشکیل و تکمیل کابینه مساعدت تامه با ریاست وزرا عظام نموده و بعد از تشکیل برای تعیین تکالیف کابینه صرف اوقات نماینده تا تکالیف قوه اجرائیه معلوم و هیئت وزرائی که مقتدر بر ادای وظایف خود باشد موجود آمده انشاءالله سوء انتظاری در مملکت حاصل نشود تذکر این نکته را هم لازم میدانم که چنانکه در تلگرافات خود از فرنگستان یادآوری نموده ام که نظر محبت و همراهی همگی بتمام نیابت سلطنت شرط لازمست اختلاف پارتنی مانع کار و مستلزم بحران خواهد بود و با حثالت حالیه ایران که صورت آرام و سکون اهمیت کلی در فرستادن این مشروح و وسیله تحریب مملکت خواهد شد و نیز در خطاب خود در موقع ادای مراسم قانونی در مجلس اظهار داشته ام که اگر اختلافات خدای نکرده بر اختلاف امور بیفزاید اینجناب نخواستار است در این مقام نشسته شاهد چنان حال ناگوار مملکت باشم چون از سه ماه قبل که هلاkim شدت ظهور اختلافات و تعصبات و مقتریات نسبت بمقام نیابت سلطنت که باید مورد توجه و احترام همگی باشد شهود بوده و همه نماینده کان محترم مشاهده کرده میدانند که از همان وقت تصمیم بترك مقام داشته ام ولی چون انقلابات بزرگ روی داد برای اینکه در چنان موقع خطر ناکی گفته نشود اینجناب از مساعدت و خدمت بیعت قصور کرده ام تحمل نموده و اجرای قصد خود را به تأخیر انداخته بودم و محض اینکه بقتت بدون تهیه امری واقع نشود در این چند روزه بنمایند کان محترم اظهار کرده ام که با مشارکت اولیاء امور بهر ترتیبی که بعد از مشاوره صلاح دانند در اینباب اقدام شود بنابر این مجدداً یادآوری مینمایم که اگر در این قمره جداً اقدامی نشود اینجناب لابد خواهم بود بدون انتظار این مقدمات تصمیم خود را اجرا و رسماً اعلان نمایم و چنانکه در خطاب خود در موقع ادای مراسم اظهار کرده ام هیچ ذی وجدانی مسؤلیت آنرا وارد بر این جانب نخواهد داشت زیرا که فوق قوه بشری سبی در رفع اختلافات کرد و متأسفانه مفید نتواند بامتیاز این جانب بر ذمه وطن خواهی نماینده کان محترم فرض و واجب است که تماماً و جمعیاً بدون فوت وقت در شبانه روز مشغول انجام این امور مهم بوده و انشاءالله تا نتیجه مطلوبه حاصل نشود خود را بری - الذمه ندانند مجدداً در آخرین مشروح بر اهمیت موقع و لزوم جریان ترتیب فوق الذکر و وخامت غفلت از آن تأکید مینمایم و عدم اختیار و مسؤلیت قانونی خود را یادآور شده بادی این تکلیف واجب که تذکر مراتب فوق است خود را از مسؤلیت وجه آتی بیرون آورده معاف و معفو میدانم .

**رئیس** - چنانچه آقایان ملاحظه میفرمایند در این دستخط دو مطلب خیلی مهم است یکی دلیلی بمقام نایب سلطنت عظمی و یکی در تشکیل کابینه والا حضرت آقای نایب السلطنه راجع بمقام خودشان این جا اشاره فرموده اند که تصمیمی فرموده اند و اگر جداً اقدامی نشود بوقع اجرا خواهند گذاشت چون بعضی از آقایان از دلیل آن تصمیم درست آگاهی ندارند بنده گمان میکنم بهتر آن است که یک کمیسیون بیست نفری بنام آموزش تشکیل شود حضور مبارکشان

شرقیاب شده فرمایشاتشان اصناف بکنند و بعد برض مجلس برسانند و معلوم است برای حفظ مقام والا حضرت اقدس هر اقدامی لازم است از طرف مجلس مقدس خواهد شد (گفتند صحیح است) اما راجع بتشکیل کابینه وزرا گمان میکنم باین وضع حاضر موقمش نباشد که بگوئیم بماریطی ندارد باید آقای رئیس الوزرا خودش تشکیل بدهد بیا و بدجلس معرفی کند چون معلوم نیست دوره مجلس کی منقضی خواهد شد دور نیست که آقایان رأی بدهند که موافق ترتیب قدیم باشد گمان میکنم بهتر این باشد که قبل از اینکه مجلس منفسل بشود افلاک کابینه ترتیب داده شود باز هم یک قدری بآقای رئیس الوزرا کمک بکنند و یک کمیسیون پنج شش نفری هر روز تشکیل شود و بروند بآقای رئیس الوزرا مذاکره کرده و در باب تشکیل کابینه هم قراری بدهند که اگر نباشد روز سه شنبه مجلس نباشد افلاک کابینه صحیحی داشته باشم باین ترتیب مغالطی هست **ادیب التجار** - جزء اولی که فرمودند بناید ۲۰ نفر منتخب شوند تمام صحیح است و باید منتخب بشوند و انتخاب خواهند شد و اما مسئله اخیر که مساعدت و کمک با رئیس الوزرا فرمودند کمیسیون پنج یازده نفری در اینجا منتخب شود چون چون فرمودید اگر مغالطی باشد بنده باین مطلب مغالطه چرا بجهت اینکه ما تجربه کردیم که در این دو ساله بعضی کمیسیونها که از مجلس در اینجا منتخب شد و برای اینکار هارفتند بانطوریکه تمنای ماها بود کابینا نشده حالا هلش را برای حفظ مقام مجلس مقدس عرض میکنم عقیده بنده اینست که کمیسیون ۶ و ۷ نفری لازم باشد برای اینکه نظرات آن (۶ و ۷) نفر نماینده کان کاز راه دیگری باشد بلکه طوری شود که آقای رئیس الوزرا مجبور باشند مطابق نظر بنده یادگیری رفتار کنند بین - المخدورین واقع شوند بنده نظر حضرت مستطاب عالی را بهتر میدانم که اگر مساعدتی لازم میدانند این کمک را خود حضرت مستطاب عالی بفرمایند که زودتر کابینه تشکیل شود

**رئیس** - این مسئله را گمان میکنم مطرح مذاکره قرار نباید داد در مطلب اول تصور میکنم مغالطی نباشد همان کمیسیون ۲۰ نفری انتخاب خواهد شد و بعضی مبارکشان شرقیاب خواهند شد و اگر مذاکره باید شود فردا پس فردا میشود در مطلب نانی هم بهمان ترتیب که عرض کردم برای اینکه از طرف مجلس کمک بآقای رئیس الوزرا بشود و بزودی کابینه را تشکیل بکنند و بدجلس معرفی نمایند رأی میگیریم که آن کمیسیون معین شود یانه اگر هم لازم نمیدانند فرق نمیکند رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند که کمیسیون تشکیل شود که نزد رئیس الوزرا بروند و کمک بکنند برای تشکیل کابینه قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد (در این موقع بعضیها اجازه خواستند)

**رئیس** - گویا میخواهند در مطلبی که راجع است بوالا حضرت اقدس نایب السلطنه مذاکره شود پس رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند اخل مذاکره بشویم قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد

**مقین السلطنه** - در ضریقه انتخاب عرضی دارم

**رئیس** - بفرمائید

**مقین السلطنه** - در طریقه انتخاب میخواستم عرض کنم که خود حضرت رئیس انتخاب بکنند و بفرستند برای اینکه هم زود تر انتخاب میشود از اینکه ما بنویسیم و خودتان بهتر میدانید که کدام قابل اینکار هستند

**رئیس** - بیست نفری که بنده معین کنم از طرف مجلس نخواهد بود باید از طرف مجلس معین شود که نماینده مجلس باشد

**هشترودی** - يك قسمت عرایض بنده در این بود که حکومت ملی مداخله ملت است در امور مملکتی و سیاسی بواسطه و کلاسه و نماینده آن خود معلوم است این دو جزء دارد اولش این است که مدافعه ملت کار خود ملت است باید این مملکت بدست خود ملت باشد و دومین این است که مدافعه خودشان را بکنیم می دهد بدست و کلاسه و نماینده کان خودشان بوده آن نماینده کان در امور مملکتی وضع قانون کردند یا اعتماد بهیئت اجرائیه کردند معلوم است که این قانون را هم خود ملت وضع کرده است و آن اعتماد را هم که بنده اجرائیه داشته است خود ملت اعتماد داشته است و نماینده ملت مثل خود ملت است یعنی نماینده ملت خود ملت است نمیشود این دواترا از هم تفکیک کرد بله در یک مرحله البته وکیل غیر از موکل است و آنوقت است که هنوز وکیل نشده اما وقتی که وکیل شد هر چه کرد خود موکل کرده است نماینده هر چه بکند مثل این است که خود آن ملت کرده است و این فرمایشات آقای حاج آقا تمام این بود و بنده هم هیچ مغالفتی ندارم و اگر داشته باشم معنی این است که بنده هیچ تفهیم بدهم یعنی حکومت ملی را باید بروم از کسی بیروم بدهم اما آنقدرش را میدانم حالا اینکه وکیل برای خودش نماینده درست میکنند این در قانون نام دول و ملل شاید اینطور نباشد که نوشتن و محض رأی دادن باشد چنانچه بنده در تاریخ روم دیده ام در تاریخ روسها نوشته اند انتخاب وکیل که میکردند جمع میشدند در یک جا و هشت فرقه یا ۱۲ فرقه بودند دیگر این را یادم رفته است آن فرقه ها رأی خودشان را علنی میگفتند بعد از آنکه میگفتند شمار میکردند معلوم میشد که هفت فرقه رأیشان بفلان چیز است و یک فرقه یا پنج فرقه رأیشان بفلان چیز است آن ۷ فرقه که رأی اکثریت داشت برای وکیل خودشان یا برای رئیس ستاهمین رأی انتخاب خودشان را انتخاب میکردند و نماینده میشد و لازم میشد که ورقه بشور مخفی نویسد غرض این است که مقصود روح انتخاب است که می خواهم عرض کنم که نباید حکماً يك ورقه نوشت و شاید يك وقتي شود که ملت نخواهد رأی خودش را مخفی بدهد که هیچکس نفهمد میخواهد بطور علنی رأی خودش را بدهد همین طور خواهد شد يك وقتي ملت طوری میشود که علناً میگوید وکیل فلان است (رئیس - راجع باینکه نماینده مذاکره شود)

**هشترودی** - بله شاید يك وقتي يك جوری شود که تماماً علنی کسیرا انتخاب کند (رئیس - این که اظهارات شما راجع باینکه انتخاب است)

**هشترودی** - بنده ترتیبش را عرض میکنم شاید این تلگرافات که از آذربایجان رسیده است ترتیبش آتشکده شده است حالا این جا بنده غرضم این است برای ۳ ماه یا ۶ ماه باوقش را آنقدر بگذارند که نصف علاوه بیکسفر از و کلاسه حاضر نشود این وشاید وقت را آنقدر قرار بدهند باشاید تلگراف بکنند که و کلاسه همین طور که الان هستند باشند و بهمان ترتیب تا بیکه دخالت میکردند بامور مملکتی و قانون گذاری حالا هم بهمان قانون گذاری و مملکت داری باقی باشد و در امورات و سیاسیات مملکتی نظریات نماینده و بجای خودشان در کرسی و کالت نشسته باشند شاید يك همچو چیزی تلگراف کنند درباره بنده نه بنده درباره بنده که سهل است درباره هر کسی که میل دارند آن وقت آنرا انتخاب کرد آنها خواهم دانست و آن وقت بآن وظیفه که دارم عمل خواهم کرد باینکه در معین کنند بهمان و کالتی که سابق داشته ام بلا تفاوت عمل خواهم کرد آدمیم که آیا این کار شده است یا خواهد شد بعقیده خود آن ها که ظالمین این اساس اند بعبارت اخیری بلکه معومین این اساسند این تلگرافات را که ملاحظه میفرمائید آن ها کرده اند بنده عقیده ام این است و حالا دیگر نمی خواهم داخل فلسفه این بشوم که چرا این تلگرافات را مؤسسين این اساس کرده اند یا از جاهای دیگر چرا این تلگرافات نشده است ولی عرض میکنم این تلگرافات که شده است نه درباره بنده تنها شده است بلکه همه نمایندگان این تلگرافات آمده است ببارزه اخیری برای مجلس آمده است که نماینده تمام مملکت است چون این جا ناچارم بجهت يك صحبتی که در روز شده است آنرا رد بکنم عرض میکنم در روز گفتند که از آذربایجان که تلگراف شده است فقط برای وکلای آذربایجان بوده است بنده آنرا جداً رد میکنم آذربایجان تلگراف کرده است بنام مجلس هیچ بنده تفاوت ندارم بآن و کلبی که از اقصی بلاد مملکت آمده است این جا و آذربایجان هم نظرش بنام وکلای ملت است و الا آذربایجانی عاشق ریش من نیست عاشق این مجلس است نام و کلاسه را در نظر داشته است و همه اش را وکیل ایران میدانند آذربایجان نظرش باین اساس عدالت است که در این امر کز است و میخواهد این نمایندگان این جا باشند تا وکلای آتی بیایند آنوقت اینها بروند عاشق بنده و امثال بنده نیستند عاشق اساسند و این تلگرافات که آمده است برای فرد فرد و کلاسه آمده است بنده می گویم که بهمن تنها تلگراف آمده است من وکیل آذربایجان مرا وکیل کرده اند و بشما نیامده است خبر بطور فرد فرد بنام و کلاسه تلگراف کرده اند شاید نظرشان بسایر و کلاسه که اینجا آمده اند از وکلای خودشان بیشتر باشد و باز مجدداً جدها عرض میکنم که این تلگرافات بنام مجلس آمده است و رد میکنم صحبتهای امروز را که میفرمودید این تلگرافات از آذربایجان برای وکلای خودشان آمده است پس بنده از آن نفاطیکه تلگرافات آمده است که و کلاسه نماینده هستند و باید وقتاً در این مجلس باشند تا نصف علاوه يك حاضر شوند و این مجلس اعتماد پیدا بکند و باقی باشند و در تلگرافات خودشان هم اشاره کرده اند

که بقام نیابت سلطنت هم طبعه عرض کرده ایم  
 بمجلس هم تلگرافات کرده اند بعضی حالا هم کلای  
 خودشان غیر از تلگرافات مجلس و نیابت سلطنت هم  
 کرده اند که همچو تلگرافی کرده ایم و این تلگرافات  
 هم یا توسط مقام منبع نیابت سلطنت بمجلس شده  
 است یا بعضی هم شاید توسط مجلس تعدی باشند  
 کرده اند گویا از هر جایی که این تلگرافات شده  
 است تماشای به نیابت سلطنت باشد این است که بنده  
 بیشتر از این داخل مذاکرات نشیوم و کاملاً مقید  
 میدانم برای اینکه ملت در باری این مجلس آتندریکه  
 باید جدا داشته باشد داشته است بمبارة آخری نصف  
 ملت کمؤسین این اساسند تمام تلگراف کرده اند  
 و تمام رأی داده اند جهت هم این است آنها خطراتی  
 را در نظر گرفته اند در نبودن مجلس در مملکت  
 شاید احتمال میدهند که حال آن خطرات موجود است  
 چون احتمال خودش لزوم میآورد بعضی جاها هست  
 مثلا من باب مثال هست یک جا که یک دخص ملاحظه  
 دارد که فلان کسی که اینجا راه میرد شاید پیغمبر  
 باشد باید آنرا حفظ کنیم و این احتمال که شاید  
 پیغمبر باشد خودش لزوم میآورد که باید او را حفظ کند  
 حالا اگر چه پیغمبر نباشد بقول علماء و شرعاً این  
 احتمال منجر میشود که نگذارد باو صدمه وارد آید  
 احتمال آنکه پیغمبر باشد چون وجودش باید قبضش  
 که تمام عالم برسد و بان احتمال نباید بگذرانند که  
 کصدمه باو بخورد و هم بان احتمال باید محافظت  
 کند و این موکلین هم یا بواسطه آن احساسات است  
 که میگویند باید باقی باشد یا در رفتن مجلس حس  
 کرده اند که نباید این مجلس برود در این رفتن  
 مجلس شاید خطراتی مقرر کرده اند بنده نمیگویم  
 این خطرات را من هم میبینم بنده عرض کردم و کبیل  
 هستم فضول نیست بنده نمیگویم آنها دیده اند و می بیند  
 که این تلگرافات را کرده اند و به موجب همین  
 تلگرافات عقیده ام این است که باید مجلس امتداد  
 پیدا بکند و به نیابت سلطنت هم تلگراف کرده اند  
 او هم تکلیف خودش را خودش بهتر میدانند این  
 جواب این که حاج آقا فرمودند که باید از رف  
 ملت و کبیل شویم از جانب ملت بنده عرض میکنم که  
 این عین و کبیل بودن است از جانب ملت حالا هر گاه  
 خدشه برای آقایان نمایندگان دست داد بنده حاضریم  
 اگر آقای رئیس اجازه بفرمایند بیایم بگویم بقلان  
 دلیل بقلان دلیل تمام مؤسین این دستگاه رأی داده اند  
 مثل اینکه با اوران رأی بدهند رأی داده اند که تا  
 مجلس جدید شاید این مجلس ابقاء باشد این عقیده  
 بنده است از روی آن تلگرافاتی که شده و یک عقیده  
 شخص خودم که اگر این مجلس باشد یا نباشد آن  
 هم یک راهی است که شاید منجم با آقای حاج  
 شیخ رئیس همراه باشم چون بنده اولاً این را  
 نمیدانم و تلگرافات را همه میدانم بر فرض اگر  
 این شد آن وقت همان است و آقای حاج شیخ -  
 رئیس فرمودند الضرورت نتیجه المخدورات البته  
 ضرورت یک وقتی وادار میکنند انسان بعضی کارهای  
 خلاف قانون بکنند اینک سهل است خود قانون  
 در یک همچو وقتی بعضی کارها میکنند که خلاف  
 قانون است یعنی خود قانون در وقت ضرورت یک  
 قانونی جعل میکنند که منحصر است به همان حمل  
 ضرورت که اگر آن مقام ضرورت گذشت آن مقام

قانون همه جایش تغییر میکند باز اگر دچار شد  
 آنداده قانونی ضروری در جای خودش هست و این  
 را نه اینکه تصور بفرمایند در قانون سیاسی مملکتی  
 است بلکه در دین و مذهب در همه چیز هست آن  
 ضرورت که میآید انسان مباشرت میکند در همه  
 چیز حالا آن هم یک مطلبی است بنده حالا اظهار  
 عقیده نمیکند شاید مملکت ما باین ضرورت رسیده  
 و باین محظورات رسیده باشد که امتداد مجلس لازم  
 باشد شاید بگویند این از طرف ملت نیستند پس  
 اینها نمیتوانند قانون بگذارند بنده عرض میکنم که  
 همان ضرورت است که نوشتن قانون را وادار میکنند  
 که قانون بنویسد و آقائون که در آن وقت ضرورت  
 نوشته شده است قانونیت پیدا میکنند چون بعضی  
 گفتند که در این مدت موقتی مجلس نمیتوانم قانون  
 بنویسم بنده میگویم ضرورت مقتضی شد که دو ماده  
 قانون بنویسند همان ضرورت است که وادار  
 میکنند قانون بنویسند که همان قانون قانون  
 شد پس باین لحاظ می تواند داخل قانون  
 گذاشتن و سؤال و جواب و استیضاحات  
 و داخل هر چیزی که وکیل ملت میشود بشود و این  
 روح همان قانون است که در مواقع ضرورت همه  
 آنها را باید کرد چنانچه شده در اسلام و هم در  
 سایر دول شده است بنده زیاد از این عرض نمیکند  
 و زیاده از این دیگر صحبت نمیکند و ختم میکنم  
 که شاید صحبتی نشود یک پیشنهادی از طرف آقایان  
 موافقتی شود و رأی گرفته شود که دیگری از این  
 مذاکراتی نشود .

**رئیس** - یک ماده الحاقیه بقانون انتخابات  
 آقای حاج شیخ رئیس پیشنهاد کرده اند موافقت  
 نظامنامه داخلی باید برود به کمیسیون مبتکرات  
 لیکن بعضی از آقایان تقاضا کرده اند که در همین  
 مجلس مطرح شده رأی گرفته شود ماده الحاقیه قرائت  
 میشود برای استحضار خاطر آقایان ( بمبارت ذیل  
 قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم این ماده الحاقیه در ذیل  
 قانون انتخابات نوشته و قانونی شود .

ماده الحاقیه - در هر دوره ای از ادوار دو  
 دوره تقنینیه مجلس شورای ملی قریب الاختتام میشود  
 و موقع انتخابات جدید میرسد در صورتیکه اکثریه  
 مجلس شورای احساسی که انفصال موقتی مجلس و  
 پیش آمدن ایام فترت بین المجلسین خلاف مصالح  
 ملکیه و منافی با منافع نوعیه است باتفاق یا اکثریت  
 میتوانند رأی بدهند که مجلس شورای رسماً تا وقتی  
 که نصف بعلاوه یک از وکلای دوره آتی در مرکز  
 حاضر شود ابقاء و کماکان بوظائف تقنین و نظارت  
 قوه مجریه استقامت نماید ( تقاضا نیز بمبارت ذیل  
 قرائت گردید ) امضاء کنندگان در ذیل تقاضا میکنم  
 پیشنهاد راجع بالحاق ماده واحده بقانون انتخابات  
 که حاج شیخ رئیس تقدیم کرده بکمیسیون مبتکرات  
 نرود و در جلسه امروز رأی گرفته شود امضای حاج  
 شیخ رئیس با امضای ۳۰ نفر دیگر از وکلا  
**رئیس** - خوب در باب این که این مسئله امروز  
 باید مطرح شود باید مذاکره شود .

**محمد هاشم میرزا** - بین این تقاضا و امتداد  
 مجلس عموم خصوصی مطلق است بعقیده ملاهایی  
 ممکن است که کسانی که این پیشنهاد را کرده اند

امتداد این دوره را هم مسلماً عقیده خواهند داشت  
 وضع یا مایل هستند که امتداد این دوره را عقیده  
 داشته باشد و رأی بدهند این را تقاضا شده است  
 عقیده نداشته باشند پس خوب است در همان امتداد  
 مجلس مذاکره تمام شود دو روز است که در این  
 خصوص مذاکره میشود خوب است اجازه بدهید که  
 این مذاکره بجائی منتهی شود اگر این را رأی  
 دادند آن وقت این ماده را مذاکره کنند یا آنکه  
 بگذارند برای دوره دیگر والا بنده عقیده ام این  
 است که این مذاکرات بی نتیجه خواهد ماند و بعد  
 از دو روز مذاکره کردن نتیجه نخواهم گرفت .

**دکتر حاج رضاخان** - بنده گمان میکنم  
 نزدیک باین ماده یک ماده در نظامنامه انتخابات  
 وضع کردیم که فلسفه او از میان رفته است آن این  
 است که ۳ ماه قبل از اختتام مجلس شروع بانخابات  
 شود چون ما آن قانون را گذاشته ایم و تصور میکنم  
 که حالا دیگر لزومی نداشته باشد و ما نوشتیم که  
 ۳ ماه قبل از انقضاء مدت مجلس اعلان انتخاب شود  
 و در قانون اساسی نوشته شده بود بعد از انقضاء  
 اعلان شود چون اصل قانون اساسی از طرف انجن  
 ابالتی آذربایجان نسخ شده بود که یکی راجع به همین  
 مسئله بود این بود که آن قانون را قانون اساسی  
 ندانستیم و این ماده در قانون انتخابات نوشته شد که  
 مدت مجلس وصل بمجلس بعد شود یعنی هیچ حال  
 انفصال پیدا نشود چون قانون انتخابات طول کشید  
 فلسفه آن ماده از میان رفته بجهت این که ممکن  
 است در آتی باین ترتیب عمل نماینده البته در انتخابات  
 نظریات خواهند نمود شاید آن ۳ ماه را ۶ ماه کنند  
 و شاید بردارند و شاید کمتر و بیشتر کنند این است  
 است که بواسطه انقلابات مملکتی بنده موافقم که  
 این ماده بجای او باشد اگر او نیست نزدیک  
 باو است .

**رئیس** - آقای حاج شیخ رئیس توضیح  
 بدهید .

**حاج شیخ رئیس** - بطوریکه عرض کردم  
 بنده احساس کردم که غالب نمایندگان بلکه بانفاق  
 بان نظریاتی که دارند و مقتضایاتی که مشهود همه آنها  
 هست عقیده دارند باین که مجلس فاصله پیدا نکنند  
 تا مجلس دیگر و ایام فترتی پیش نیاید که مبدا  
 تولید باره اشکالات شود و فقط قانونیکه مجوز این  
 امتداد باشد بنظر بعضی نرسیده بود که بنظر بعضی  
 واضح بود که قانون تجویز میکنند بنده بعد از  
 مطالعه زیاد چیزی که بنظر آمد که البته آقایان  
 نمایندگا محترم تصدیق خواهند فرمود این است  
 که جعل قوانین تابع اتفاقات و احتیاجات است بمبارت  
 دیگر هم هراتفاقی هر ضرورتی هر احتیاجی منشاء  
 اشراغ . قانونی میشود که میتوان گفت مولد آن  
 قانون خواهد بود حتی بنده در قوانین مقدسه دینی  
 هم این عقیده را دارم که اگر کسی بشان نزول آیات  
 و روایات توجه باشد با بنده همراه است باین معنی  
 که اگر انسان هیچوقت مرتکب جنحه و جنایت نمیشد و اگر  
 محققاً حکم السارق و ان ربه نازل نمیشد و اگر  
 کسی کسی را نیکت من قتل نفساً را خدا معین  
 نمیکرد چون این قضا وضع شد این بود که آن  
 حاکم جزای آسانی آ قانون گذار آسانی یک  
 حکمی و جزائی برای او وضع کرد در حکم شریعت

که سهلت در حکم طبیعت هم این را ثابت خواهد  
 کرد که تمام علوم جدید و اکتشافات بعینه که نتیجه  
 انظار اطباء نظر با احتیاجات مردم است آن وجود کثران  
 عظام است همه بواسطه امراض مردم است اگر  
 مردم بحال طبیعی و اعتدال اسی بودند هیچ احتیاج  
 بعلم طب نداشتیم و همین طور قواعد و آداب دینی  
 برای احتیاجات نوع بشری است پس در اینصورت  
 این دو ساله دوره تقنینیه که گذشت مقتضی چون  
 مبتلا نشده بود همچو محظوری که احساس کند که  
 بین المجلسین شاید یک فرقی واقع شود که آن فترت  
 ملت را مملکت باقتضای تازه وقایعی که مانی توانیم  
 از آینه تأمین بدهیم خودمان را از ظهور تازه وقایع  
 چنانچه نتوانستیم اطمینان بدهیم حالا مبتلا شده ایم  
 نظر بان مشکلاتیکه پیش میآید بنده پیشنهاد  
 کرده ام که اگر مجلس در قریب اختتام باشد و حالت  
 مملکت دچار محظورات داخلی و خارجی باشد که  
 نمایندگان آن دوره که همین زمان است که هستیم  
 و این پیشنهاد را هم برای همین دوره کرده ایم  
 که اگر احساس کردند که یک همچو محظوراتی  
 دارند مجلس را موقتاً تشکیل بدهند تا اینکه نصف  
 بعلاوه یک از نمایندگان جدید در مرکز جمع شوند  
 و در این ایام فترت خاصه در سایه مردمان بدفطرت  
 که باعث انقلاب و افسادات واقع نشود و پاره  
 اشکالات تازه تولید نشود باین جهت پیشنهاد کردم  
 که در همچو حالی نمایندگان می توانند نظر بان  
 احساس خودشان رأی بدهند که این مجلس بماند تا  
 آن وکلای آتی جمع شوند و آن عموم خصوصی  
 مطلق که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند بین  
 متوجه نیست زیرا آنجوری که احساس کرده ایم  
 آتی مملکت چنانکه حالا هم هست طوری منظم و  
 مرتب و امنیت نیست و معارف ما آنطوریکه باید  
 تکمیل شود نیست که اگر مجلس شورای ملی  
 بقضای تعیین گردش بهاری و تابستانی شش ماه  
 یا یکسال هم منفسل شود ابتدا خدشه راه نیاید و  
 عرض میکنم که نمایندگان محترم مقایسه نفرمایند  
 مملکت ما را با آن مالکی که دویت و سیصد سال  
 است مشروطه شده است راه نمان را پیبوماند  
 ملاحظه بفرمایید حالت اشراغ و الوار این مملکت  
 را و آن کسانی که خارج از مرکز هستند و  
 حالت وحشیگری و شرارت های آنها را که اگر  
 بشنوند انفصال مجلس شورای ملی را ولو قانونیت  
 یک تراتبدنی حاصل کند که ما را باشکالات بیندازد  
 عقیده من اینست که عرض کرد .

**رئیس** - رأی میکنیم به تقاضای آقای  
 حاج شیخ رئیس که امروز جزم دستور شود آقایانی  
 که تصویب میکنند قیام نمایند ( عده قلبی  
 قیام نمودند ) .

**رئیس** - تصویب نشد - در این مسئله تمدید  
 دیروز مجلس مذاکره کرد و امروز هم تا بحال  
 مذاکرات میشود گمان میکنم که مذاکرات کافی  
 باشد محول میکنم باقی مذاکرات را بجلسه فردا  
 ولی تصور میکنم که خوب است قبول این را بیکی  
 از کمیسیون هائی که هست یا کمیسیون معارف یا  
 کمیسیون تفسیر که در آن کمیسیون مذاقه بشود و  
 نظریاتی نماینده که بطور باید این مسئله ختم شود  
 برای اینکه در اینباب کمیسیونی معین نبوده است و

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران  
 صفحه ۱۸۸۳

رایورتی هم نداشته است و مخبری هم ندارد و از  
 طرف وزراء هم پیشنهاد نشده است بنده گمان  
 میکنم تا این درجه کافی باشد بجهت اینکه اگر یک  
 پیشنهادی بود یا یک ماده بودمی توانستیم رأی بگیریم  
 حالا هم بطور مذاکره بکنیم و محول بکنیم بفردا  
 بعد فردا هم همین طور مذاکره بکنیم تا آخر  
 مجلس آخراش نماندیم به چه رأی میکنیم پس  
 اگر صلاح بدانند این مسئله برود یک کمیسیونی که  
 اعضاء آن کمیسیون هم به مذاقه بکنند که فردا که بمجلس  
 یک مخبری هم داشته باشد که در این باب اگر دلالی  
 دارد پیشنهاد کنند و اگر هم بخوایم رأی بگیریم  
 بماده قانونی باشد که بان رأی بگیریم و حالا همانطور  
 مذاکره میکنیم و محول میکنیم بفردا بعد فردا هم  
 همینطور مذاکره میشود تا آخر مجلس آخراش نماندیم  
 چه خواهد شد برای اینکه در این باب کمیسیونی  
 معین نشده است و رایورتی هم نداشته است و مخبری  
 هم ندارد اگر صلاح باشد بکمیسیون تفسیر و کمیسیون  
 معارف رجوع شود دوسه کمیسیون مخلوط شود و  
 فردا صبح مذاکراتی بکنند ماده بنویسند فردا بعد  
 از ظهر رایورت بدهند و کیفیت امتداد مجلس  
 را بنویسند و بیاورند بان رأی بگیریم .

**ناصر الاسلام** - بنده آن روز پیشنهادی تقدیم  
 کرده بودم که آقایان نمایندگان تصویب بفرمایند  
 آن پیشنهاد خوانده شود در صورتیکه قابل توجه شد  
 آنوقت آن کمیسیونی که تشکیل خواهد شد با آن  
 اصلاحاتی که از طرف آقایان میشود هر کدام از آن  
 پیشنهاد قابل توجه شد یعنی باینکه انتخاب میشود تصویب  
 فرمودند که بعضی تنقیدات بمانند آن پیشنهادیکه  
 بنده کرده ام اگر رأی بگیرند دور نیست بان پیشنهاد  
 بنده رأی بدهند اگر تصویب بفرمایند رأی بگیرند .

**رئیس** - اما پیشنهادی که فرمودید که  
 هیئت دولت تلگراف کنند بولایات و انجمنهای  
 ایالتی و ولایاتی این مطلب یک چیزی است که تا دوهفته  
 دیگر هم جواب نمیرسد در صورتیکه دوروز دیگر  
 مجلس منفسل است تا دوروز دیگر این ترتیب معلوم  
 نمیشود پس بان ترتیب که بنده عرض کردم بدوسه  
 کمیسیون رجوع شود بهتر است که اگر نباشد امتداد  
 پیدا کند دلیل امتداد چه خواهد بود یا اگر هم لازم  
 نیست امتداد پیدا بکند دلایلی که چیز است برای  
 اینکه با طرف مسئله توجه بشویم و رأی بدهیم بهتر  
 این است که رجوع بکنیم بکمیسیون و گمان میکنم  
 کمیسیون تفسیر و معارف اصلاح است برای اینکه اگر  
 مختلطاً جلسه بکند و رایورت بدهند آقایانی که این  
 مسئله را تصویب میکنند قیام نمایند .

( اکثر قریب نمودند )

**رئیس** - با اکثریت تصویب شد - کمیسیون  
 معارف و تفسیر فردا سه ساعت بظهر مانده حاضر شوند  
 و مذاکره بکنند و اسنادی هم که راجع باینکار است  
 بکمیسیون فرستاده میشود که ملاحظه کرده و رایورت  
 بدهند - رایورت کمیسیون بودجه راجع بطلب  
 ارباب لطف الله ( بمبارت ذیل قرائت شد )

رایورت کمیسیون بودجه راجع به ارباب  
 لطف الله بایشانند آقای ارباب کیخسرو که از مجلس  
 ارجاع بکمیسیون شده بود مجدداً مطرح مذاکره  
 گردید پس از مذاکرات لازم نظر باینکه وزارت مالیه  
 تقاضای اعتبار راجع بطلب ارباب لطف الله نموده  
 و اگر اعتبار معین داده شود تامدنی طلب معزی الله  
 معوق خواهد ماند تا اعتبار مجدداً از مجلس خواسته

شود کمیسیون ماده واحده ذیل را تصویب نمود  
 مجدداً بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید .

ماده واحده - مبلغ دوازده هزار و دووست و  
 یازده تومان اعتبار بوزارت مالیه داده میشود که  
 بعد از مراجعه بحساب گندم ارباب لطف الله هر قدر  
 طلب مشارالیه باشد از این اعتبار بپردازد .

**ارباب کیخسرو** - بنده در آن پیشنهادیکه  
 کرده بودم که بامخالفی نداشت باین ترتیبی که کمیسیون  
 داده است نمیدانم ملت چیست که تا حال کمیسیون اینرا معوق  
 گذاشته است بنده پیشنهاد کرده بودم که این برگردد  
 بوزارت مالیه که با نظریات خزانه دار کل هر قدر  
 صلاح بداند پس از رسیدگی این را بپردازند و  
 دیگر آن وقت لازم نبود که بمجلس بیاید و یک  
 اعتبار دیگری بخواید این باید در همانجا رسیدگی  
 شده باشد و بنظر خزانه دار کل برسد بعد از آنکه  
 رسیدگی کرد وزارت مالیه آنرا بپردازد و اگر  
 فقط بنا بر رسیدگی وزارت مالیه اکتفا شود که  
 رسیدگی کرده و پیشنهاد کرده بود که اینقدر طلب  
 ارباب لطف الله شده است دیگر برگشتنش به وزارت  
 مالیه معنی ندارد مقصد از برگشتنش این بود که  
 خزانه دار کل نظریاتی بکند اگر ارباب لطف الله  
 طلب دارد باید او را داد هیچ علت ندارد که از حساب  
 گریزان باشد و خزانه دار کل بایستی نظر بنماید و  
 اگر بهمانا اکتفا میشود که وزارت مالیه پیشنهاد کرده  
 است بنده عرضی ندارم .

**حاج عزاله مالک** - اینجا گمان میکنم که  
 آقای ارباب کیخسرو اشتباه فرمودند که میفرمایند  
 دیگر لازم نبود بمجلس بیاید بجهت اینکه پیشنهادی  
 کرده اند که باید این مطلب بکمیسیون برود و معلوم  
 هم در آن ماده تصدیق شده بود که نیشد او را تصویب  
 کرد بجهت اینکه وزارت مالیه بعد از رسیدگی بحساب  
 ارباب لطف الله پنج نفریکه معین کرده بود بجهت  
 تقویم گندم ارباب لطف الله تصدیق کرده بودند که این  
 مبلغ طلب ارباب لطف الله است و یک پیشنهاد وزارت  
 مالیه را کمیسیون نمیتوانست رد بکند و نمیتوانست  
 یک اعتبار موهومی بوزارت مالیه بدهد و این مسئله  
 گندم هم تنها از ارباب لطف الله خریده نشده است  
 از سایرین هم خریده اند مثل اینکه از طومانیان  
 هم خریده شده است بدبختانه نمیدانم چه شده که  
 حساب آنها داده شده و طومانیان از بابت گندم  
 و دوره تقنینیه هم نزدیک است که بگذرد در واقع  
 یک نفر جز ایرانی که کمک کرده است و مخصوصاً  
 گندم داده است در آن وقت تنگی بقشون دولت و  
 سرباز دولت خورده چطور میشود که امروز ما تصویب  
 نکنیم و نگذاریم که رسیدگی شود و طلب او داده  
 شود و اینطور معاصی او اشکال پیدا کند .

**رئیس** - این مطلب تازه بمجلس نمانده است  
 سابقاً بمجلس آمده است و اینقدر هم مذاکره لازم  
 ندارد و رأی میکنیم .

**ارباب کیخسرو** - اینجا سوء تفاهمی شده  
 است بنده عرضی نکردم لازم نبود پیشنهاد بنده  
 برگردد بمجلس بنده عرض کردم که کمیسیون رأی  
 میداد که این برود بوزارت مالیه خزانه دار کل

رسیدگی کند و هر قدر طلب او باشد بپردازد دیگر حاجت نبود که در تانی از پیش زانه دار کل برگردد بمجلس بنده این را عرض کردم.

**حاج آقا محمدعلی -** اینطور که می فرمایند باز عرض میکنم که مجبور بود بمجلس بیاید و برای گرفته شود که اعتبار بدهد که چه طلبی را بدهد و بموجب ماده قانونی تهریح کند و الا وزارت مالیه نمیتواند بطرز اہبام چیزی بپردازد ماده واحده مجدداً قرائت شد.

**رئیس -** رای میگیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که تصویب نمیکنند ورقه کبود ( اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان بقرار ذیل احصاء نمودند ورقه سفید (۳۸)

**رئیس -** با اکثریت (۳۸) رای از هفتاد نفر نمایندگان حاضر تصویب شد راپورت کمیسیون بودجه راجع بابتهاج السلطنه (بمضمون ذیل خوانده شد)

لابجه وزارت مالیه رسیده بود مشعر بر اینکه ابتهاج السلطنه مبلغ نهصد و کسری حقوق دیوانی داشت در سنوات ماقبله بموجب فرمان در حق متبجح الدوله صبیہ خود برقرار نمود در صورتی که متبجح الدوله شخصاً نهصد و کسری حقوق داشتند در سه قوی میل در موقع اصلاحات نظر بخود حقوق متبجح الدوله که معادل یکهزار و نهصد و کسری بود بتصویب کمیسیون ۴۰۰ تومان از این مبلغ باقی و تتمه

مقتوع شد حاله ابتهاج السلطنه بمجلس شورای ملی و وزارت مالیه تنظیم است که این نهصد و کسری که باسم متبجح الدوله فرمان صادر کرده اند محل معاش خود او نهایت موافق معمول باسم اولاد خود فرمان صادر کرده است و حاله امر معاش و زندگانی مشارالیها بکلی مختل و شخصاً پریشان شده اند و یقیناً اگر این تبدیل اسم واقع نشده بود در سه قوی میل ملتفی هم باسم ابتهاج السلطنه ابقا میشد و در زمان مجلس سابق هم بعد از اصلاحات از طرف مجلس مقدس غفری

البها وعده شده بود که تغییری در این حکم داده شود بواسطه انفسال مجلس بهال حال باقی ماند نظر بمقدمات فوق وزارت مالیه تصویب مینماید که سالی ۶۰۰ تومان سکه ماهی ۵۰ تومان باشد در حق ابتهاج السلطنه برقرار شده رقم تنظیم مشارالیها بشرد کمیسیون بودجه پس از تحقیقات لازم در صحت اظهارات وزارت مالیه و پریشانی ابتهاج السلطنه و عده که در زمان مجلس سابق بمشارالیها شده است تصویب مینماید که سالی ۶۰۰ تومان مستمری مادام الحیوة در حق ابتهاج السلطنه برقرار شود.

**حاج شیخ اسدالله -** چیزی را که مجلس سابق قطع کرده است ما میخواهیم برقرار شود خودش حقوقی داشته است بیل خودش آمده است بدیگری واگذار کرده بترتیبیکه پیش که را گذار با اولاد خودشان میگردند و فرمان هم بیدادند با اولادشان و بعد از آنکه مجلس سابق رد کرده است باین بهانه دوباره میخواهد از این مجلس رای بگیرد و بنده بکلی مخالفم و آن حقوقی را که در مجلس سابق رد کرده است قطع تصویب نمیکند و همانقدریکه باقی مانده کافی میدانم.

**حاج وکیل الرعایا -** اطلاعات وزارت مالیه برای تشخیص اینجهور مطالب خیلی قوتش بیش از این اظهاراتی است که بنده بمخوام بکنم لیکن مجلس سابق که ۴۰۰ تومان باقی گذارده برای یک نفر بود که باقی گذارد و اگر باین ترتیب واقف بود شاید برای او هم چیزی باقی میگذاشت چنانچه برای دیگران هم باقی گذاشت و گمان میکنم که مادامی که این را وزارت مالیه تصویب کرده است که این یکی از محظورات است و پریشان است گویا سزاوار نباشد که ما اورا کنار بگذاریم و بگوئیم که اگر از گرسنگی مرد ببرد بنده هیچ از احوالاتش مسبوق نیستم این را کسی از برای من مضمون نکند من اورا هیچ نیشناسم از روی این پیشنهاد وزارت مالیه عرض میکنم اگر این چیزهایی که وزارت مالیه در این جا نوشته است که من اطمینان دارم بوزارت مالیه نمیتوانم رد بکنم البته لازم میدانم که مجلس هم رضا بشود باین که یک کسبیکه یک امر معاشی داشته حالا هم جزء محظورات است و تحصیل یک امر معاش هم از او ساخته نیست بطور بی نوائی زندگانی بکنند برای مملکت ما خوش آیند نیست.

**رئیس -** رای میگیریم بماده که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید خواهند داد و آقایانی که رد میکنند ورقه کبود خواهند داد. اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضاخان بطور ذیل احصاء نمودند ورقه سفید (۱۴) ورقه کبود (۱۴).

**رئیس -** بلا تکلیف ماند قانون شرکتهای تجاری.

**حاج شیخعلی خراسانی -** چون این بیست نفر انتخاب بشوند بروند حضور والا حضرت آقای نایب السلطنه مشرف شوند از شبهم خیلی گذشته است خوب است برویم مشغول انتخاب آنها بشویم زیرا که باید تا فردا حضور والا حضرت مشرف شوند و تکلیف خودشان را انجام بدهند و بمجلس راپورت بدهند.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**رئیس -** میخواهید بماند برای جلسه بعد رای میگیریم (گفته شد تمام کنید) ماده یک بپارت ذیل قرائت شد (۱) در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری است که ذیل توضیح میشود اولاً خرید مال التجاره بقصد اینکه بنیاداً پس از استعمال یا تغییر شکل بمرغش فروشی یا اجاره برسد و نیز خرید از اراق برای فروش ثانیاً تغییر شکل دادن را واضح بوسیله ماشین یا که برای فروش ثالثاً تصدی حمل و نقل چه برآ چه بجز را بعملاً برای دیگران معامله تجاری کرد.

**آقا محمد -** گمان میکنم اموری که این جا ذیل وصف شده است و به (۹) قسمت کرده است هیچ قابل مذاکره و مخالفت نباشد چون خودمقنن میگوید مقصود از تجارت این است و قانونی که در این جا وضع کرده ام فرضم از تجارت در اینجا این نکاتی است که ذیل شرح داده شده است اینها اصلاحاتی است که مقنن قرار داده است و ابتدا مخالفتها را از جهت شرعی و نه از جهت عرفی و نه از جهت چیز دیگری ندارد.

**حاج امام جمعه -** این تغییرها که کرده اند اغلب عیب ندارد اما اگر بنا شود که هر لفظی که در این قانون ذکر میشود تمام مصادیق آنرا هم ذکر بکنم این یکی قانون را خراب میکند تجارت یک لفظی است در اصطلاح ماکه تمام اینها را شامل است تجارت به معنی داد و ستد است و همه را شامل خواهد شد این عرض من است یکی هم این است که این لفظ صرافها را از اینجا بردارند.

**افتخار الواعظین -** علت اینکه این توضیح داده شد و این شرح نوشته شد بنده تصدیق میکنم که تاجر من بیع و بیشتری است و من بیع و بیشتری که آقای وحید الملک کرده بودند و همچو گمان کردند که تجارت وقتی در مملکت ما گفته میشود تمام این امور شاید از نظر گیرنده و شنونده صدق نکند این بود که مال لفظ تجارت را اینجا شرح دادیم از برای اینکه معلوم شود مراد ما از تجارت چه چیز است اما آنچه که آقا فرمودند (صرافی را) بردارند مقصودتان از صرافی این است که این یک وجهی میدهند یک صرافی داده و آن صراف یک برات بنده میدهد که بروم جای دیگر بگیرم یا اینکه پول امانت که میگذازم طرف معامله میشود و اگر اینکار هیبی دارد نظرشان را بفرمایند چه نظری است.

**آقا سید حسن مدرس -** شراکت البته معلوم است که در کلیه معاملات و تجارت با نضاه و اقسام جاری است و تخصص دادن باین اقسام بقول اهل علم نفی غیرتو حال آنکه اقسام معاملات بلاهه معاملاتیکه اینجا نوشته شده است زیاد است اختصاص اینها را بیکر دائره امر شرکت را ضیق میکند اگر بمانم عموم خودش بگذاریم که شرکت اوامر تجاری اینها را و آن افراد را که مایل است فرامیگیرد و الا تجارت موضوعات و مصادیقش منحصر باین ها نیست که این جا ذکر شده کتاب تجارتی ما کتابی است که دارای چندین هزار موضوع است و اینها که اینجا نوشته اند صد یک آنها نیست و اگر اینها را خارج از موضوع میخواهند بفرمایند که نمیتوانید بفرمایند خارج از موضوع است پس اگر بخواهند داخل بفرمایند بهتر این است که بطور تمهیم و گذارش بکنند که اینها و غیر اینها هم شامل باشد اگر این عرایض بنده را تصدیق میفرمایند که نمالمطلوب و اگر تصدیق نمیفرمایند اینرا آقای مغیر توضیح بفرمایند که شرکت در دلالتی و حراجی یعنی چه.

**افتخار الواعظین -** شراکت در دلالتی و حراجی گویا خیلی واضح باشد که یعنی چه یک جمعی میشود و همان قید تنبیر بهتر است.

**افتخار الواعظین -** علت اینکه این توضیح داده شد و این شرح نوشته شد بنده تصدیق میکنم که تاجر من بیع و بیشتری است و من بیع و بیشتری که آقای وحید الملک کرده بودند و همچو گمان کردند که تجارت وقتی در مملکت ما گفته میشود تمام این امور شاید از نظر گیرنده و شنونده صدق نکند این بود که مال لفظ تجارت را اینجا شرح دادیم از برای اینکه معلوم شود مراد ما از تجارت چه چیز است اما آنچه که آقا فرمودند (صرافی را) بردارند مقصودتان از صرافی این است که این یک وجهی میدهند یک صرافی داده و آن صراف یک برات بنده میدهد که بروم جای دیگر بگیرم یا اینکه پول امانت که میگذازم طرف معامله میشود و اگر اینکار هیبی دارد نظرشان را بفرمایند چه نظری است.

**آقا سید حسن مدرس -** شراکت البته معلوم است که در کلیه معاملات و تجارت با نضاه و اقسام جاری است و تخصص دادن باین اقسام بقول اهل علم نفی غیرتو حال آنکه اقسام معاملات بلاهه معاملاتیکه اینجا نوشته شده است زیاد است اختصاص اینها را بیکر دائره امر شرکت را ضیق میکند اگر بمانم عموم خودش بگذاریم که شرکت اوامر تجاری اینها را و آن افراد را که مایل است فرامیگیرد و الا تجارت موضوعات و مصادیقش منحصر باین ها نیست که این جا ذکر شده کتاب تجارتی ما کتابی است که دارای چندین هزار موضوع است و اینها که اینجا نوشته اند صد یک آنها نیست و اگر اینها را خارج از موضوع میخواهند بفرمایند که نمیتوانید بفرمایند خارج از موضوع است پس اگر بخواهند داخل بفرمایند بهتر این است که بطور تمهیم و گذارش بکنند که اینها و غیر اینها هم شامل باشد اگر این عرایض بنده را تصدیق میفرمایند که نمالمطلوب و اگر تصدیق نمیفرمایند اینرا آقای مغیر توضیح بفرمایند که شرکت در دلالتی و حراجی یعنی چه.

**افتخار الواعظین -** شراکت در دلالتی و حراجی گویا خیلی واضح باشد که یعنی چه یک جمعی میشود و همان قید تنبیر بهتر است.

**افتخار الواعظین -** علت اینکه این توضیح داده شد و این شرح نوشته شد بنده تصدیق میکنم که تاجر من بیع و بیشتری است و من بیع و بیشتری که آقای وحید الملک کرده بودند و همچو گمان کردند که تجارت وقتی در مملکت ما گفته میشود تمام این امور شاید از نظر گیرنده و شنونده صدق نکند این بود که مال لفظ تجارت را اینجا شرح دادیم از برای اینکه معلوم شود مراد ما از تجارت چه چیز است اما آنچه که آقا فرمودند (صرافی را) بردارند مقصودتان از صرافی این است که این یک وجهی میدهند یک صرافی داده و آن صراف یک برات بنده میدهد که بروم جای دیگر بگیرم یا اینکه پول امانت که میگذازم طرف معامله میشود و اگر اینکار هیبی دارد نظرشان را بفرمایند چه نظری است.

**آقا سید حسن مدرس -** شراکت البته معلوم است که در کلیه معاملات و تجارت با نضاه و اقسام جاری است و تخصص دادن باین اقسام بقول اهل علم نفی غیرتو حال آنکه اقسام معاملات بلاهه معاملاتیکه اینجا نوشته شده است زیاد است اختصاص اینها را بیکر دائره امر شرکت را ضیق میکند اگر بمانم عموم خودش بگذاریم که شرکت اوامر تجاری اینها را و آن افراد را که مایل است فرامیگیرد و الا تجارت موضوعات و مصادیقش منحصر باین ها نیست که این جا ذکر شده کتاب تجارتی ما کتابی است که دارای چندین هزار موضوع است و اینها که اینجا نوشته اند صد یک آنها نیست و اگر اینها را خارج از موضوع میخواهند بفرمایند که نمیتوانید بفرمایند خارج از موضوع است پس اگر بخواهند داخل بفرمایند بهتر این است که بطور تمهیم و گذارش بکنند که اینها و غیر اینها هم شامل باشد اگر این عرایض بنده را تصدیق میفرمایند که نمالمطلوب و اگر تصدیق نمیفرمایند اینرا آقای مغیر توضیح بفرمایند که شرکت در دلالتی و حراجی یعنی چه.

**افتخار الواعظین -** شراکت در دلالتی و حراجی گویا خیلی واضح باشد که یعنی چه یک جمعی میشود و همان قید تنبیر بهتر است.

**افتخار الواعظین -** شراکت در دلالتی و حراجی گویا خیلی واضح باشد که یعنی چه یک جمعی میشود و همان قید تنبیر بهتر است.

بایک جمعی یک وجهی میکنند و تشکیل شرکت میکنند که کارشان منحصر بدلالی باشد شاید این را توضیح میخواهند که چرا شرکت میکنند برای اینکه یک منزلی لازم دارند دفتر میخوانند اجزائی میخواهند بعضی معارف دیگر دارند حالا اگر در مملکت ما دائره تجارت باندازه وسعت نداشته است که دلالتی احتیاج بشراکت داشته باشد این دلیل نمی شود که چرا دلالتی جزء شرکت شده است و باید دلالتی خودش را از کارهای بزرگ مملکت شود چنانچه الان هستند جماعتیکه بطریق شرکت دلالتی میکنند مال التجاره از یک دسته تاجر میگردند و بتجار دیگر میفروشند حراجی هم که معلوم است و مصداقش خیلی واضح است.

**ارباب کیمخضرو -** نظر بنده آنست که آقای مدرس فرمودند اگر بنا شود که این اسامی را بیاورند اسامی دیگر هم هست که برده نشده است اگر هم یک قسمی بکنیم که با آنها اختیار بدهیم چنانچه یک لفظ و غیره در آخر بیفزاییم اینقدر کسب بدهد که از مقصود خارج میشود عقیده بنده آنست که همان لفظ تجارت خودش در این جا کافی بود و اگر بخواهند تغییر بدهند باز آن پیشنهادی که آقای وحید الملک کرده اند بهتر است والا این جلو خیلی تجارت های مقدره را خواهد گرفت.

**افتخار الواعظین -** علت اینکه اینجا شرح داده شده است اینست که بهر یک از اینها بلسان خارجه یک اصطلاح مخصوص دارد و یک کار مخصوص منحصری است حالا اگر در مملکت ما هر کدام از اینها اصطلاح مخصوصی ندارد و کار و وسیعی نیست این را کار ندارم بنده هم عقیده ام اینست اگر اینها در تحت مصداقی من بیع و بیشتری میکنند تمام این چیزها را شامل بود ولی آقای وحید الملک عقیده شان این بود که لفظ تجارت کافی نیست و باید شرح داد که مقصود چیست باینکه تجارت و کسب و کار و داد و ستد و هزار کله دیگر هم هست و می شود لفظ سر هم نوشت.

**رئیس -** مذاکرات کافی نیست!

**حاج امام جمعه -** بنده در این باب پیشنهادی کرده ام (پیشنهاد فوق الذکر بمضمون ذیل خوانده شد پیشنهاد میکنم لفظ صرافی و حراجی را از اینجا بردارند)

**رئیس -** بفرمایید توضیح بدهید.

**حاج امام جمعه -** تصارف از لفظ حراجی که در السنه ما میگویند یک صرافی در قدیم بود در این مملکت که پول خورده میکرد و حالا آن صرافی قدیم را کار ندارم اما امروز دیگر این اصطلاح ما نیست صرافی که میگویند همان است که آنجا بنشینند و داد و ستد بکنند با تنزیل معلوم است آنهم در شرح ما نیست و اما حراجی را خوبست مغیر توضیح بدهند که معنی آنهم معلوم نیست گویا آن شراکت ابدان میگویند یعنی میگویند ما چند نفر شریک می شویم مال یک تاجری را بمروشیم یا یک کمیانی تشکیل بدهیم که مال مردم را حراج بکنیم هر چه حق گرفتیم شریک باشیم آنهم اگر باشد باز در شرح ما نیست و تکرار میکنم آن عرض خودم را که این قانون باین خوبی را بنده خراب کرده است خوبست سعی کنید

همان لفظ تجارت را بگذاریم که این قانون باین خوبی ضایع نشود.

**رئیس -** آقای مغیر در این باب چه میفرمایند.

**افتخار الواعظین -** صرافی منحصر بآنچه فرمودند نیست در اراسان آقایان مسبقند که صراف خانه های بزرگ است که پول میدهند برات میگیرند یا آنکه پول قرض میدهند خانه و ملک بیع و شری میکنند حالا اگر بعضی از اهل آن جمعیت بطرفی خلاف شرع معامله بکنند این دلیل نمیشود که تمام اهل آن جمعیت معامله نشان بر خلاف شرع است اما حراجی را که فرمودید جهت شرعیش را فرمودید و بنده ملتفت نشوم که بچه علت حرام است البته هر چه آقا میفرمایند صحیح است عرض میکنم کرای بگیرد.

**معین الرعایا -** اولاً عقیده بنده همان است که همه آقایان گفتند که تجارت همه اینها را شامل است اما حراجی آن نیست که آقا فرمودند حراجی ممکن است چند نفر شریک شوند و یک سرمایه معین کنند مالی را بخرند و آنرا حراج کنند دلالتی همان است که آقا فرمودند پنج نفر دو نفر با هم جمع میشوند بدون اینکه سرمایه بگذارند و شراکت ابدان میکنند و میروند معاملات مردمان میکنند آن باید گذاشته شود صرافی را هم فرمودند در حقیقت همه معاملات بانگی است حالا فقط صرافی جزء آن نوشته نشود صحیبتی ندارد فقط لفظ دلالتی از این جا برداشته شود.

**رئیس -** رای میگیریم باصلاح آقای امام جمعه آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس -** قابل توجه نشد و فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود (بترتیب ذیل قرائت شد) (۱) از طرف آقای عز الملک بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده باین طور نوشته شود.

در کلیه این قانون مقصود از تجارت اشتغال با موری ذیل و امثال آنها است.

(۲) از طرف شاهزاده محمد شام میرزا بنده پیشنهاد میکنم ماده اول این طور نوشته شود مقصود از تجارت عموم داد و ستدهای شروع است.

**افتخار الواعظین -** بنده می بینم خیلی پیشنهاد از طرف آقایان میشود و چنین میبایم که اکثریت مجلس همان لفظ تجارت و معامله را کافی میدانند این است که بنده تمام این شرحی که نوشته شده پس میگیرم و همان ماده اولی (۲) که شرکت خصوصی صارت از شرکتی است که ما بین چند نفر مشمول جامع و بلاحد منقسم میشود که بعنوان شرکت تجارت و معامله نمایند - رای گرفته شود کافی است.

**رئیس -** خوب در ماده دوم اول رای میگیریم آنوقت در ماده اگر جرح و تعدیل لازم است آنجا میشود (ماده دوم باین مضمون قرائت شد)

ماده (۲) - شرکت خصوصی عبارت از شرکتی است که ما بین چند نفر مشمول جامع و بلاحد منقسم میشود که بعنوان شرکت تجارت و معامله نمایند.

**رئیس -** رای میگیریم با بنماده آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

خوانده شد) (۲۱) شرکت مختلطه ما بین چند نفر مشمول جامع و بلاحد و چند نفر شریک دیگر که مشمولت آنان محدود و بحدی است آنست منقسمه میشود که بعنوان شرکت تجارت و معامله نمایند.

**رئیس -** رای میگیریم بماده (۲۱) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد ماده (۲۹) (ماده مزبور بطور ذیل خوانده شد)

(۲۹) ملکیت سهم جامع را میتوان بدون رعایت ترتیبی بدیگری انتقال داد ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه مرکز شرکت اظهار نموده و اظهار را در دفتر مخصوص ثبت و آن تغییر هم در ورقه سهم قید شود «و آن تغییر هم در دفتر

**افتخار الواعظین -** آقای ارباب پیشنهاد فرمودند رونوشت تغییر هم در ورقه سهم قید شود وقتی که با حضور آقای رئیس در کمیسیون مذاکره شد معلوم شد که ماده گذاشته ایم که کافی است از این پیشنهاد آن ماده این است که گفته ایم هر سهمی که تمام وجه آن پرداخته شده است حاملی است و مادامی که تمام وجه آن پرداخته نشده است اسمی هست و سهم اسمی را وقتیکه میخواهد برود انتقال بعد ناچار است بمقتضی آن ماده که اسم منتقل الیه را ثبت بکنند منتهاش بآن ترتیب مفصل که فلان کس از فلان روز نقل کرد آنرا کافی میدانم که در دفتر مخصوص اظهار کند و در آن دفتر مخصوص ثبت کند و مطابق آن ماده که گذشته است آن ماده حکم میکند چون سهم اسمی است باید نوشته شود و ما را کفایت میکند از این پیشنهادی که کرده اند.

**معین الرعایا -** انتقال سهم اسمی هیچ ممکن نیست که در روی ورقه آن قید بشود مثلاً یک سهمی که بنده داشته باشم که اورا باید بدیگری منتقل کنم این باید درست ثبت شده باشد و اینکه میگویند در دفتر ثبت شود این بکلی غلط است و باید بعقیده بنده چنانچه اینجا نوشته شده است باید آنجا قید شود این اوراق اسمی دست هر کسی است میخواهد بدیگری انتقال بدهد باید ببرد دفتر که اسم منتقل وهم اسم منتقل الیه روی آن نوشته شود اگر نوشته نشود آن اعتبار ندارد

**افتخار الواعظین -** گویا عرایض بنده را توجه نکردند بنده عرض کردم عین مقصود آقااست و باید همین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه اگر روی سهم حاملی قید نشده باشد نمیتوان بدیگری انتقال بدهم ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه اظهار بدارد و مراتب در دفتر ثبت شود چون هر سهمی مانده که وجه آن پرداخته نشده است اسمی است وقتیکه میخواهد ببرد او را بکسی بفروشد ناچار مطابق شرحی که در آن ماده نوشته شود در او مینویسد که این سهمیکه متعلق بفلانکس بود منتقل شده است بفلانکس و اسم منتقل الیه را باید بنویسد که باقی وجه این بر ذمه این شخص دومی است موافق آن ماده تمام آنچه ما خواهد شد پس اینکه ما بگوئیم از ظهر ورقه

باید بعقیده بنده چنانچه اینجا نوشته شده است باید آنجا قید شود این اوراق اسمی دست هر کسی است میخواهد بدیگری انتقال بدهد باید ببرد دفتر که اسم منتقل وهم اسم منتقل الیه روی آن نوشته شود اگر نوشته نشود آن اعتبار ندارد

**افتخار الواعظین -** گویا عرایض بنده را توجه نکردند بنده عرض کردم عین مقصود آقااست و باید همین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه اگر روی سهم حاملی قید نشده باشد نمیتوان بدیگری انتقال بدهم ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه اظهار بدارد و مراتب در دفتر ثبت شود چون هر سهمی مانده که وجه آن پرداخته نشده است اسمی است وقتیکه میخواهد ببرد او را بکسی بفروشد ناچار مطابق شرحی که در آن ماده نوشته شود در او مینویسد که این سهمیکه متعلق بفلانکس بود منتقل شده است بفلانکس و اسم منتقل الیه را باید بنویسد که باقی وجه این بر ذمه این شخص دومی است موافق آن ماده تمام آنچه ما خواهد شد پس اینکه ما بگوئیم از ظهر ورقه

**افتخار الواعظین -** گویا عرایض بنده را توجه نکردند بنده عرض کردم عین مقصود آقااست و باید همین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه اگر روی سهم حاملی قید نشده باشد نمیتوان بدیگری انتقال بدهم ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه اظهار بدارد و مراتب در دفتر ثبت شود چون هر سهمی مانده که وجه آن پرداخته نشده است اسمی است وقتیکه میخواهد ببرد او را بکسی بفروشد ناچار مطابق شرحی که در آن ماده نوشته شود در او مینویسد که این سهمیکه متعلق بفلانکس بود منتقل شده است بفلانکس و اسم منتقل الیه را باید بنویسد که باقی وجه این بر ذمه این شخص دومی است موافق آن ماده تمام آنچه ما خواهد شد پس اینکه ما بگوئیم از ظهر ورقه

**افتخار الواعظین -** گویا عرایض بنده را توجه نکردند بنده عرض کردم عین مقصود آقااست و باید همین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه اگر روی سهم حاملی قید نشده باشد نمیتوان بدیگری انتقال بدهم ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه اظهار بدارد و مراتب در دفتر ثبت شود چون هر سهمی مانده که وجه آن پرداخته نشده است اسمی است وقتیکه میخواهد ببرد او را بکسی بفروشد ناچار مطابق شرحی که در آن ماده نوشته شود در او مینویسد که این سهمیکه متعلق بفلانکس بود منتقل شده است بفلانکس و اسم منتقل الیه را باید بنویسد که باقی وجه این بر ذمه این شخص دومی است موافق آن ماده تمام آنچه ما خواهد شد پس اینکه ما بگوئیم از ظهر ورقه

**افتخار الواعظین -** گویا عرایض بنده را توجه نکردند بنده عرض کردم عین مقصود آقااست و باید همین ترتیب نوشته شود بجهت اینکه اگر روی سهم حاملی قید نشده باشد نمیتوان بدیگری انتقال بدهم ولی برای انتقال سهم اسمی صاحب سهم باید مراتب را در دفتر خانه اظهار بدارد و مراتب در دفتر ثبت شود چون هر سهمی مانده که وجه آن پرداخته نشده است اسمی است وقتیکه میخواهد ببرد او را بکسی بفروشد ناچار مطابق شرحی که در آن ماده نوشته شود در او مینویسد که این سهمیکه متعلق بفلانکس بود منتقل شده است بفلانکس و اسم منتقل الیه را باید بنویسد که باقی وجه این بر ذمه این شخص دومی است موافق آن ماده تمام آنچه ما خواهد شد پس اینکه ما بگوئیم از ظهر ورقه

سهم قید شود این زیادی است بواسطه اینکه بحکم آن ماده باید عمل شود

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

**رئیس** - پیشنهادیکه مخیر از طرف کمیسیون میکند این است این جمله آخر حذف شود

**حاج شیخعلی خراسانی** - بنده پیشنهاد میکنم که این باقی باشد که مقدم باشد بر پیشنهاد ایشان

**رئیس** - پس رأی میگیریم باین ماده بدون حذف آقایانیکه ماده ۲۹ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شده ماده (۳۸) الحاقی (ببابت ذیل قرائت شد)

ماده ۳۸ الحاقی - هر يك از سهام باید لاقفل بامضای دو نفر از مدیران و يك نفر از نظار و در صورت تعدد مدیر والا بامضای مدیر و يك نفر از نظار رسیده باشد

**لواءالدوله** - بنده يك نفر از نظار را کافی میدانم بجهت اینکه شاید يك نفر مدیر باشد چون تعدد دارند از آنجا میشود دوفنر نظار باشد حالام که دوفنر مدیر شد باز استحکام دارد که دوفنر نظار امضاء بکنند پیشنهادی هم میکنم

**رئیس** - رأی میگیریم بماده ۳۸ الحاقی آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۳۹ (بترتیب ذیل خوانده شد)

ماده ۳۹ - اگر سرمایه از صد هزار تومان بیش نیست سهم یابرش سهم از پنج تومان کمتر نخواهد بود در حدود دو صد و بیست هزار تومان سهم یابرش آن لاقفل هشت تومانی و در صورت تجاوز از ۲۰۰۰۰۰ تومان لاقفل ده تومانی باید باشد

**رئیس** - مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانیکه ماده (۳۹) را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده (۵۰) ببابت ذیل خوانده شد

ماده ۵۰ - مدیر یا مدیران شرکت برای مدت معین از میان شرکاء مسئول بانخاب معین می شوند

**حاج عزالممالک** این مسئله اینچامکر گفته

شد و اغلب آقایان موافق بودند که تغییر بکنند تعجب است که باز کمیسیون همان ماده سابق را پیشنهاد کرده است بنده انتخاب مدیر یا مدیران را بانخاب شرکاء مسئول صحیح میدانم ولی منتخبا را صحیح میدانم که حتماً از جمله شرکاء مسئول باشد بجهت اینکه

بد از اینکه حق دادامیم که شرکاء مسئول مدیر را انتخاب کند آنها اگر کسی را لابق دیدند از بین خودشان البته او را انتخاب خواهند کرد و اگر از بین خودشان کسی را لابق ندیدند شرکت مجبور نخواهد بود که از میان شرکاء مسئول حتماً انتخاب کند پس بانعتقاد بنده حق انتخاب را باید داد بشرکاء مسئول ولی آنها مختار باشند که از مابین خودشان انتخاب بکنند یا از خارج محدود نباید باشد

که از مابین خودشان حتماً انتخاب بکنند

**افتخار الواعظین** - فقط برای اینکه بعضی

از مواد دیگر را آقایان ملاحظه میفرمایند که کمیسیون پیشنهاد کرده است و زیاد مذاکره نفرمایند عرض

میکند در خدمت خود آقای رئیس باز صحبت شد پیشنهادی در اینخصوص از طرف آقایان نمایندگان شده بود که بنده در مجلس آن پیشنهاد را قبول کرده بودم و این پیشنهادها این بود که اگر چنانچه از بین شرکاء مسئول يك کسی لیاقت برای مدیری نداشته باشد از خارج میتواند انتخاب نمایند برای اینکه اگر از هیچیک از شرکاء مسئول کار تجارت بر نیاید آنوقت چه باید بکنند ناچارند بسروند

يك نفر غیر از شرکاء مسئول بیآورند مهیذا در کمیسیون وقتی کعلت و فلسفه این را فرمودند بنده هم قانع شدم و آنچه مستفاد شده است و فرمودند این است که موافق قانون باید مدیر از میان شرکاء

مسئول انتخاب شود برای اطمینان عامه مردم باور منتهی در وقتی که مدیر تجارت را نداند و عالم به تجارت نباشد آنجا فرمودند مجبور نیست آن کسیکه او را

انتخاب کرده اند خود او برود معامله و تجارت بکنند بگفتن یا دو نفر از میان شرکاء مسئول را بسمت مدیری معین میکنند اگر آنها هم علم تجارت نداشتند ممکن است که از طرف خودشان دوفنر سه نفر مستخدم امین که عالم به تجارت باشد معین ولی مدیر بحکم قانون در هر حال باید از میان شرکاء مسئول باشد

**ارباب کبخی** - اینجا دو شکل مدیر هست يك شکل مدیری است که از میان خود شرکاء

مسئول انتخاب میشود فقط برای امضای سهام و برای ترتیب خود اداره است نه برای اداره کردن کارو یکی مدیری است که کار را اداره میکند البته آن مدیریکه از بین شرکاء انتخاب میشود برای امضای سهام باید از شرکاء مسئول باشد و در آن

بنده هیچ ایرادی ندارم آنوقت هم ایرادی نداشتم ولی اگر برای کار باشد هیچ مجبور نیستند که حتماً از مسئول باشد از خارج هم میتوان انتخاب کرد زیرا که باید از میان شرکاء مسئول کسانی انتخاب شدند که سر رشته تجارت نداشته باشند بنده میدانم آن شرکائی که بلدیت کار نداشته باشد چگونه پیدا میکنند اشخاصی را که بلدیت داشته باشند یا

اینکه اگر احتمال برود که شرکاء از میان خودشان نتوانند کسانی را انتخاب کنند آنوقت چه باید کرد پس این جا باید تفکیک کرد که اگر آن مدیرانی باشند که برای امضاء انتخاب میشوند باید معین کرد که از شرکاء مسئول باشند و بنده حرفی ندارم ولی اگر آن مدیری است که باید کار را اداره بکند بنده مخالف هستم باینکه قید شود که حتماً باید از بین شرکاء مسئول انتخاب شود

**افتخار الواعظین** - مراد از مدیری که

میفرمائید آن هیئت رئیسه که باید امضاء بکنند سهام را از طرف شرکت که میفرمایند باید مسئول باشند نیست مراد آن مدیرانی هستند که برای شرکت معامله میکنند و در عمل تجارت هستند

(بعضی گفته اند اینطور نیست)

بند، خواهش میکنم که بر بنده ایراد نکنند به آنکسی ایراد بکنند که این توضیح را داده است

مراد از مدیر آنکسی است که طرف معامله واقع میشود و او بحکم قانون قانون باید از شرکاء مسئول باشد اگر علم تجارت را نمیدانست میبرد تجاری را استخدام میکند

**رئیس** - چون مدتی از شب گذشته است خوب است ما قی را محول کنیم بجلسه دیگر کمیسیون داخله بنا بود راجع بمنع احتکار رایبورت بنده که برای بعد از ظهر جزء دستور شود

دستور فردا رایبورت کمیسیون داخله راجع به منع احتکار رایبورت کمیسیون محاسبات راجع به تفریح بودجه مجلس مذاکرات راجع به تمدید مجلس رایبورت کمیسیون بودجه راجع بحسام همایون اگر وقت شد بقیه قانون شرکتهای تجارتی

(مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۴۴۴**

**صورت مشروح روز دو شنبه ۲۱ شهریروز ذیقعد الحرام ۱۳۲۹**

**رئیس** - آقای مونتین الملک سه ساعت قبل از غروب آفتاب بصندلی ریاست جلوس نموده پس از دقیقه مجلس تشکیل شد

صورت مجلس روز یکشنبه (۲۰) را آقای میرزا رضا خان نائینی قرائت نمودند

غائبین جلسه قبل - بدون اجازه - آقایان میرزا ابراهیم خان - معتمدالتجار - طباطبائی - غائب با اجازه - آقای

دکتر لقمان مریش آقا سید محمد باقر ادیب - آقایانیکه از وقت مقرر حاضر نبوده اند دکتر امیر خان یکساعت و ۳۵ دقیقه - آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت و نیم - آقای معزز الملک ۴۵ دقیقه - حاج وکیل الرعایا ۴۰ دقیقه

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست **آقا میرزا احمد** - قسمت راجع بتشکیل کمیسیون پنجفتری را دوباره بخوانند مجدداً يك قسمت از صورت مجلس راجع به مخالفت آقای ادیب التجار در خصوص تشکیل کمیسیون پنجفتری قرائت شد

**آقا میرزا احمد** - بواسطه مخالفت (را) پس از مخالفت بنویسند

**رئیس** - صحیح است پس از مخالفت نوشته می شود

**محمد هاشم میرزا** - در صورت مجلس نوشته شده است که به پیشنهاد آقای حاج عزالممالک و پیشنهاد بنده رأی گرفته شد پیشنهاد بنده رد شد و حال اینکه در پیشنهاد بنده رأی گرفته نشد

**رئیس** - نوشته نشده است که رد شد

**افتخار الواعظین** - بنده دیشب وقتی که دیدم در باب ماده قانونی شرکتهای پیشنهاد زیاد است عرض کردم بماده دوم رأی گرفته شود چون با آن توضیحاتی که بنده و سایرین دادند با مخالفت میشد و يك کلمه معامله هم اضافه کردم و آقای رئیس فرمودند که ماده اول بماند بعضی تغییراتی اگر لازم است داده شود و بعد باید بجلسه رأی گرفته شود و حالا می بینم که از صورت مجلس طوری نوشته